



The Role of Sustainable Entrepreneurship in Rural Regeneration: A Foresight Approach in the Western Lake Urmia Region

Behrouz Mohamadrezapour¹, Ali-Reza Jamshidi²*, Mina Hosseini³

1. Ph.D. Student in Land Use Planning, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

3. Ph.D. Student in Land Use Planning, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

*Corresponding author, Email: al.jamshidi@urmia.ac.ir

Keywords:

Sustainable
Entrepreneurship,
Rural Regeneration,
Futures Studies, Lake
Urmia, Western Lake
Urmia Villages.

1. Introduction

The sharp decline in Lake Urmia's water level over the past two decades has produced profound economic, social, and environmental consequences for surrounding rural communities. Beyond damaging agricultural livelihoods, the crisis has weakened social capital, eroded local identity, and increased community vulnerability. In this context, rural regeneration has emerged as a strategic necessity aimed at rebuilding the economic, social, and ecological capacities of villages toward sustainable development. Sustainable entrepreneurship represents an innovative approach within this framework. By integrating economic viability, social inclusion, and environmental responsibility, it facilitates multidimensional value creation and enhances local resilience. The villages of Khestiban and Hesar Hajilar, located on the western shore of Lake Urmia, were selected as case studies due to their direct exposure to the water crisis and their complementary economic and social capacities, including agriculture, handicrafts, eco-tourism, renewable energy potential, and active local participation structures. Their geographical proximity and shared environmental conditions allow for meaningful comparison and contextual generalization. Accordingly, the main research question is: How can future-oriented scenarios for rural regeneration in Khestiban and Hesar Hajilar be designed and evaluated through sustainable entrepreneurship in a way that simultaneously strengthens economic, social, and environmental dimensions and informs strategic policymaking for regional sustainable development?

2. Methodology

This applied study adopts a futures-oriented approach and employs a mixed qualitative-quantitative design. In the qualitative phase, a theoretical framework was developed through a comprehensive literature review. Subsequently, four structured brainstorming sessions were conducted with 25 purposively selected participants (15 local stakeholders and 10 academic and executive experts) to identify, refine, and validate key indicators. In the quantitative phase, the finalized indicators were analyzed using the cross-impact matrix method (MICMAC) to determine their levels of influence and dependence. Key driving forces were then identified based on their structural position. Scenario Wizard software was

Received:

31/Dec/2025

Revised:

24/Jan/2026

Accepted:

19/Apr/2026



subsequently employed to generate internally consistent future scenarios. Content validity was ensured through expert consensus, and reliability was assessed via sensitivity analysis within MICMAC.

3. Findings

The findings indicate that effective rural regeneration on the western shore of Lake Urmia depends on the simultaneous strengthening of sustainable entrepreneurship across economic, social, and environmental dimensions. Economically, drought-resistant crops, small rural industries, renewable energy development, and eco-tourism were identified as key drivers of income diversification and livelihood resilience. Socially, social capital, women's empowerment, youth entrepreneurial training, and inter-village networking enhance participation, cohesion, and social innovation. Environmentally, sustainable water management, soil conservation, green belt development, and adoption of new technologies are critical for reducing ecological pressure.

Cultural-identity factors—including local heritage, handicrafts, crisis narratives, and cultural branding linked to Lake Urmia—also emerged as reinforcing elements of social cohesion and collective resilience.

Scenario analysis revealed two contrasting futures:

- Desirable scenario: characterized by integrated resource management, active community participation, green innovation, and strengthened social capital.
- Crisis scenario: marked by inefficient governance, declining participation, environmental degradation, and heightened economic vulnerability.

These results suggest that the future trajectory of the region is highly contingent upon the strategic management of key drivers and the institutionalization of sustainable, locally grounded entrepreneurial practices.

4. Discussion and Conclusion

The study demonstrates that integrating a futures approach with participatory processes provides a robust framework for rural regeneration planning. Cross-impact analysis identified drought-resistant agriculture, sustainable water management, renewable energy, rural industries, eco-tourism, social capital, and women's empowerment as critical structural drivers shaping future development pathways. The two identified scenarios highlight that regional outcomes depend on governance quality, community engagement, and innovation capacity. Addressing the research question, the findings confirm that scenario design and evaluation become operationally meaningful when sustainable entrepreneurship functions as the central strategic axis. By simultaneously reinforcing economic prosperity, social cohesion, and environmental stewardship, this approach provides a practical foundation for evidence-based policymaking and long-term regional sustainability in the Lake Urmia context.

How to cite this article:

Mohamadrezapour, B., Jamshidi, A.R., & Hossaini, M. (2026) The Role of Sustainable Entrepreneurship in Rural Regeneration: A Foresight Approach in the Western Lake Urmia Region. *Village and Space Sustainable Development*, 7(2), 141-168. <https://doi.org/10.22077/vssd.2026.10816.1354>





فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا

دوره ۷، شماره ۲، پیاپی ۲۶، تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۱۶۸-۱۴۱

<https://doi.org/10.22077/vssd.2026.10816.1354>

نقش کارآفرینی پایدار در بازآفرینی روستایی با رویکرد آینده‌نگاری: مطالعه موردی روستاهای کشتیان و حصارحاجی لار در کرانه غربی دریاچه ارومیه

بهروز محمدرضاپور^۱، علی‌رضا جمشیدی^{۲*}، مینا حسینی^۳

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی آمایش سرزمین، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۲. استادیار، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۳. دانشجوی دکتری برنامه ریزی آمایش سرزمین، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

* نویسنده مسئول، ایمیل: al.jamshidi@urmia.ac.ir

چکیده:

کاهش شدید سطح آب دریاچه ارومیه پیامدهای گسترده‌ای بر معیشت کشاورزی، هویت محلی و انسجام اجتماعی روستاهای پیرامونی داشته و ضرورت بازآفرینی روستایی را به یک اولویت راهبردی بدل ساخته است. در این زمینه، کارآفرینی پایدار به‌عنوان رویکردی چندبعدی توانسته است زمینه‌ساز خلق ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گردد و مسیر توسعه پایدار را هموار سازد. هدف این پژوهش، بررسی نقش کارآفرینی پایدار در بازآفرینی روستاهای کشتیان و حصارحاجی لار با تأکید بر توانمندسازی جوامع محلی، ارتقای تاب‌آوری اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست است. این پژوهش با رویکرد آینده‌نگاری و به‌صورت ترکیبی (کیفی-کمی) انجام شد. در بخش کیفی، چارچوب نظری از طریق مرور منابع علمی استخراج گردید و نشست‌های گروهی و طوفان فکری با مشارکت خبرگان و ذینفعان محلی شامل دهیاران، اعضای شورا، کارآفرینان و کارشناسان توسعه برگزار شد تا شاخص‌های کلیدی شناسایی و پالایش شوند. جامعه پژوهش، ذینفعان محلی در دو روستای کشتیان و حصارحاجی لار بود و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام گرفت؛ در مجموع ۲۵ نفر (۱۵ محلی و ۱۰ متخصص دانشگاهی و اجرایی) در فرآیند پژوهش مشارکت داشتند. در بخش کمی، شاخص‌ها وارد ماتریس اثرات متقاطع میک‌مک شدند تا میزان نفوذ و وابستگی عوامل مشخص گردد و سپس با نرم‌افزار سناریویزارد سناریوهای آینده تدوین شد. برای اعتبار نتایج، روایی محتوا از طریق اجماع خبرگان و پایایی با آزمون حساسیت در میک‌مک بررسی گردید. یافته‌ها نشان داد که بازآفرینی روستایی زمانی اثربخش خواهد بود که کارآفرینی پایدار در سه سطح اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌طور هم‌زمان تقویت شود. در این میان مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی شامل کشت‌های مقاوم به کم‌آبی، مدیریت پایدار منابع آب، انرژی‌های تجدیدپذیر، صنایع کوچک روستایی، گردشگری بوم‌محور، سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان و برندینگ فرهنگی بیشترین نقش را در آینده دارند. تحلیل سناریوها دو چشم‌انداز اصلی را ترسیم کرد: سناریوی مطلوب با ویژگی‌های توسعه پایدار و نوآورانه، و سناریوی بحرانی که تداوم الگوهای ناکارآمد و تشدید بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی:

کارآفرینی پایدار، بازآفرینی روستایی، آینده‌نگاری، دریاچه ارومیه، روستاهای غرب دریاچه ارومیه.

تاریخ ارسال:

۱۴۰۴/۱۰/۱۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۱/۳۰

۱- مقدمه

بازآفرینی روستایی در ادبیات توسعه پایدار به عنوان یکی از راهبردهای کلیدی برای توانمندسازی جوامع محلی و ارتقای کیفیت زندگی شناخته می شود. در شرایطی که تغییرات اقلیمی، بحران های زیست محیطی و نابرابری های اجتماعی بر حیات روستاها سایه افکنده اند، کارآفرینی پایدار به مثابه نیروی محرکه ای نوین توانسته مسیرهای تازه ای برای خلق ارزش های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فراهم آورد (کورسگارد^۱ و همکاران، ۲۰۲۵: ۲). پژوهش های اخیر نشان می دهند که کارآفرینی روستایی فراتر از رشد اقتصادی، نقشی اساسی در ارتقاء تاب آوری اجتماعی و حفاظت محیطی ایفا می کند (پوترا^۲ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱). در اروپا، مدل های بازآفرینی روستایی با تمرکز بر پیمان سبز و نوسازی، روستاها را به مراکز نوآوری سبز و اقتصاد کم کربن تبدیل کرده اند (چیمپا^۳ و همکاران، ۲۰۲۵: ۳). در آمریکای لاتین نیز پژوهش های جدید نشان داده اند که اکوسیستم کارآفرینی پایدار با وجود نقاط قوتی همچون سیاست های حمایتی و آموزش، همچنان با چالش هایی نظیر ضعف زیرساخت ها و نابرابری اجتماعی مواجه است؛ با این حال، این مطالعات بر ظرفیت کارآفرینی پایدار برای ارتقای رفاه اجتماعی و حفاظت محیطی در جوامع روستایی تأکید دارند (باررا-وردوگو^۴ و همکاران، ۲۰۲۵: ۲).

همچنین مطالعاتی در حوزه مدل های کسب و کار پایدار نشان داده اند که طراحی سه لایه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می تواند به بازآفرینی اقتصادهای روستایی کمک کند (دیونیزی و دورا^۵، ۲۰۲۵: ۲). در سطح منطقه ای و ملی نیز پژوهش های متعددی انجام شده است. سلیمان پور و نوروزی اجیرلو (۱۴۰۴) بقای اقتصادی و کارآفرینی اجتماعی را دو عامل کلیدی در بازآفرینی روستایی معرفی کرده اند که با توانمندسازی ساکنان محلی و تنوع فعالیت ها در بخش هایی مانند کشاورزی و گردشگری، مسیر توسعه پایدار را هموار می سازند. موسوی و همکاران (۱۴۰۴) نشان دادند که سرمایه های جامعه محلی، به ویژه سرمایه اجتماعی و مالی، نقش معناداری در توسعه اقتصاد روستایی از طریق توسعه گردشگری دارند و توسعه گردشگری موجب بهبود اشتغال و تنوع منابع درآمدی ساکنان می شود. عینالی (۱۴۰۳) نشان داد که کارآفرینی روستایی نقش مثبت و معناداری در توسعه اقتصاد روستایی و تنوع بخشی به فرصت های شغلی و درآمدی دارد؛ به ویژه از طریق بهبود زیرساخت های تولیدی و خدماتی، شکل گیری سرمایه و افزایش سرمایه گذاری در روستاها. بیگدلی و همکاران (۱۴۰۳) نشان دادند که چالش های کارآفرینی کوچک مقیاس کشاورزی در روستاها عمدتاً ناشی از عوامل ساختاری و نهادی است، به ویژه مقررات، تأمین مالی، شرایط اقتصادی و ضعف زیرساخت ها که مهم ترین موانع توسعه فعالیت های کارآفرینانه هستند. احمدی و همکاران (۱۴۰۳) نشان دادند که کارآفرینی گردشگری نقش مؤثری در بازساخت و بهبود فضاهای روستایی دارد و بیشترین اثر آن به ترتیب در ابعاد کالبدی و اجتماعی-فرهنگی مشاهده می شود؛ به طوری که بعد اجتماعی-فرهنگی بیشترین تأثیر را در تبیین کارآفرینی گردشگری داشته است. همچنین جمشیدی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند که میان شاخص های کارآفرینی مانند خلاقیت و اعتماد به نفس با مؤلفه های توسعه پایدار ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. با وجود این پشتوانه پژوهشی، خلأ مطالعاتی همچنان پابرجاست. بسیاری از تحقیقات داخلی و خارجی یا صرفاً بر یک بُعد خاص، به ویژه اقتصادی، تمرکز داشته اند یا فاقد رویکرد تلفیقی و آینده نگر در ارتباط با بازآفرینی سکونتگاه های آسیب پذیر بوده اند. همین امر باعث شده است چشم اندازهای بلندمدت و سناریوهای محتمل برای توسعه پایدار روستاهای پیرامون دریایچه ارومیه به طور جامع ترسیم نشود.

¹ Korsgaard

² Putra

³ Ciampa

⁴ Barrera-Verdugo

⁵ Dionizi & Dhora

بحران دریاچه ارومیه نه تنها یک مسئله زیست محیطی، بلکه چالشی اجتماعی و اقتصادی برای روستاهای اطراف آن، به ویژه کشتیبان و حصارحاجی لار است. طی دو دهه اخیر، کاهش شدید سطح آب این پهنه پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کرده است؛ از جمله افت معیشت کشاورزی، مهاجرت جمعیت و تضعیف هویت محلی. وابستگی شدید به منابع طبیعی، محدودیت فرصت‌های شغلی و نبود چارچوب‌های پایدار برای کارآفرینی، این روستاها را در معرض رکود و زوال قرار داده است (اشمیت^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۱۵۰). انتخاب این دو روستا به عنوان محدوده مطالعه به دلیل مواجهه همزمان با بحران‌های زیست محیطی، فشارهای اجتماعی و تغییر الگوهای معیشتی اهمیت دارد. در چنین شرایطی، بازآفرینی روستایی و کارآفرینی پایدار می‌تواند با بهره‌گیری از دانش بومی، منابع محلی و نوآوری‌های اجتماعی مسیر تازه‌ای برای توانمندسازی و تاب‌آوری این جوامع فراهم کند. بحران خشک شدن دریاچه، علاوه بر تهدید منابع طبیعی و معیشت سنتی، فرصت بازتعریف نقش روستاها در نظام توسعه منطقه‌ای و ملی را نیز ایجاد کرده است. برای تحقق این هدف، بازآفرینی روستایی باید با نگاه آینده‌پژوهانه و از طریق سیاست‌گذاری دولتی، مشارکت محلی و نوآوری‌های سبز دنبال شود تا ضمن پاسخ به بحران زیست محیطی، مسیرهای پایدار برای بازسازی اقتصادی، تقویت سرمایه اجتماعی و حفاظت محیطی فراهم گردد. از این رو، طراحی چارچوبی جامع که توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و حفاظت محیطی را همزمان دنبال کند، نقش مهمی در تقویت ارزش‌های چندبعدی و بازآفرینی اقتصادهای روستایی ایفا می‌کند.

بر این اساس سؤال پژوهش این است که؛ چگونه می‌توان با بهره‌گیری از کارآفرینی پایدار و رویکرد آینده نگاری، سناریوهای محتمل برای بازآفرینی روستاهای کشتیبان و حصارحاجی لار طراحی و ارزیابی کرد؛ به گونه‌ای که این سناریوها نه تنها سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را تقویت کنند، بلکه به سیاست‌گذاری عملی و تصمیم‌گیری راهبردی برای توسعه پایدار منطقه نیز منجر شوند؟

۲- بنیان نظریه‌ای

کارآفرینی پایدار به عنوان نیروی محرکه بازآفرینی روستایی

کارآفرینی پایدار را می‌توان به مثابه نسل تازه‌ای از کارآفرینی دانست که مرزهای سنتی کسب و کار را پشت سر گذاشته است. در حالی که کارآفرینی سنتی بیشتر بر سودآوری کوتاه‌مدت و گسترش بازار تمرکز دارد، کارآفرینی پایدار با نگاهی جامع، سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را در هم می‌آمیزد. این رویکرد بر این باور استوار است که توسعه اقتصادی بدون عدالت اجتماعی و حفاظت محیطی، ناقص و شکننده خواهد بود (کورسگارد^۲ و همکاران، ۲۰۲۵: ۲؛ عینالی، ۱۴۰۳: ۴۶). این رویکرد با نظریه سه گانه ارزش^۳ و ارزش مشترک^۴ پشتیبانی می‌شود که بر ضرورت خلق ارزش‌های چندبعدی تأکید دارند. از همین رو، کارآفرین پایدار همانند معمار آینده عمل می‌کند؛ کسی که بنای توسعه را بر ستون‌های اخلاق، عدالت و پایداری بنا می‌نهد.

¹ Schmidt

² Korsgaard

³ Triple Bottom Line

⁴ Shared Value

جدول ۱- نظریه‌های سه‌گانه ارزش و ارزش مشترک

نظریه	خاستگاه نظریه	بُعد نظری / اصل نظریه	ارتباط با پژوهش حاضر	مصادیق در کارآفرینی پایدار	پیشران‌های کلیدی
			نشان می‌دهد توسعه اقتصادی روستاها باید پایدار باشد و وابستگی به کشاورزی سنتی کاهش یابد (کورسگارد و همکاران، ۲۰۲۵)	ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، افزایش درآمد، تنوع فعالیت‌ها در کشاورزی و گردشگری	اشتغال پایدار، بقای اقتصادی، تنوع فعالیت‌های اقتصادی
نظریه سه‌گانه ارزش	جان ال‌کینگتون، ۱۹۹۴	اجتماعی	اهمیت مشارکت اجتماعی و توانمندسازی روستاییان و پیوند به عدالت اجتماعی (پوترا و همکاران، ۲۰۲۵؛ سلیمان‌پور و نوروزی اجیرلو، ۱۴۰۴)	توانمندسازی روستاییان، مشارکت اجتماعی، ارتقای سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی، مشارکت محلی، عدالت اجتماعی
		زیست‌محیطی	نشان می‌دهد حفاظت منابع طبیعی و نوآوری سبز برای بقای سکونتگاه‌های روستایی حیاتی است (هادی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳)	استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت پایدار منابع آب و خاک	نوآوری سبز، حفاظت منابع طبیعی، انرژی‌های تجدیدپذیر
		بازاندیشی در محصولات و بازارها	کسب و کارها با نوآوری در محصولات، همزمان سود اقتصادی و ارزش اجتماعی خلق می‌کنند (میلوسویچ، ۲۰۱۵)	تولید محصولات سالم، گردشگری پایدار	نوآوری سبز، تنوع اقتصادی
نظریه ارزش مشترک	پورتر و کرامر، ۲۰۱۱	بازتعریف بهره‌وری در زنجیره ارزش	تأکید بر کاهش ضایعات، استفاده از انرژی پاک و ارتقای شرایط کاری (پورتر و کرامر، ۲۰۱۱)	انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت منابع	بهره‌وری پایدار، حفاظت منابع
		توسعه خوشه‌های محلی	سرمایه‌گذاری در جامعه و تأمین‌کنندگان محلی به توانمندسازی و عدالت اجتماعی منجر می‌شود	حمایت از کشاورزان محلی، آموزش و توانمندسازی	سرمایه اجتماعی، توانمندسازی محلی

بر این اساس، سه بُعد اصلی کارآفرینی پایدار عبارتند از:

اقتصادی: کارآفرینی پایدار با ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، افزایش درآمد و تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، موتور محرک اقتصاد روستایی است. این رویکرد با کاهش وابستگی به کشاورزی سنتی و گشودن مسیرهایی چون گردشگری، صنایع دستی و انرژی‌های تجدیدپذیر، تاب‌آوری اقتصادی روستاها را تقویت می‌کند (بیگدلی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۳؛ احمدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۱).

اجتماعی: در بُعد اجتماعی، کارآفرینی پایدار فراتر از منافع فردی عمل کرده و به توانمندسازی جمعی می‌پردازد. مشارکت فعال روستاییان در تصمیم‌گیری‌ها، تقویت سرمایه اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی از نتایج مستقیم این رویکرد است. بدین ترتیب، کارآفرینی پایدار نه تنها کسب و کار می‌آفریند، بلکه جامعه‌ای توانمند و همبسته می‌سازد (پوترا و همکاران، ۲۰۲۵: ۲؛ موسوی و همکاران، ۱۴۰۴: ۶۶).

زیست‌محیطی: سومین بُعد کارآفرینی پایدار حفاظت از منابع طبیعی و بهره‌گیری از نوآوری‌های سبز است. استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت پایدار منابع آب و خاک و کاهش اثرات زیست‌محیطی، از جمله راهبردهایی هستند که کارآفرینی پایدار را به ابزاری برای حفاظت محیطی و سازگاری با تغییرات اقلیمی بدل می‌سازند (هادی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۵۴؛ سلطانی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۲۵).

ارتباط با تاب‌آوری اجتماعی و هویت محلی

تاب‌آوری اجتماعی در جوامع روستایی به توانایی جمعی ساکنان برای مقابله با بحران‌ها، مدیریت منابع محدود و حفظ پیوندهای اجتماعی پایدار اشاره دارد و هویت محلی شامل باورها، ارزش‌ها، تاریخچه فرهنگی و تعلق به مکان، نقشی کلیدی در تقویت این تاب‌آوری ایفا می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند؛ جوامعی با هویت محلی قوی، توانایی بیشتری در بازسازی پس از شوک‌های اقتصادی، اجتماعی یا زیست‌محیطی دارند (دوتا و تریودی^۱، ۲۰۲۶: ۳۸).

کارآفرینی پایدار، به‌عنوان یک فرآیند میان‌رشته‌ای و اجتماعی، با ارائه فرصت‌های مشارکتی، توانمندسازی جمعی و بهره‌گیری از دانش بومی، تاب‌آوری جوامع محلی را در برابر بحران‌ها تقویت می‌کند (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۳۰). هنگامی که روستاییان در طراحی و اجرای پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت فعال دارند و از نوآوری اجتماعی بهره می‌گیرند، اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی محلی افزایش می‌یابد، ظرفیت جامعه برای پاسخ به چالش‌ها تقویت می‌شود و هویت محلی بازتولید می‌شود. زیرا افراد حس تعلق و مسئولیت نسبت به محیط زیست، فرهنگ و ارزش‌های مشترک خود پیدا می‌کنند. این فرآیند نه تنها اقتصاد روستا را بازآفرینی می‌کند، بلکه با تقویت انسجام اجتماعی و باززایی فرهنگی، روستاها را از حاشیه‌نشینی و زوال به کانون‌هایی پویا و پایدار تبدیل کرده و روح تازه‌ای در کالبد اجتماعی و فرهنگی آن‌ها می‌دمد (وحیدی راد و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۹؛ شهبازی و کاملی، ۱۴۰۲: ۳۱۰).

رویکردهای نظری متعددی می‌توانند این رابطه را تبیین کنند:

- نظریه سرمایه اجتماعی: این نظریه بر اهمیت شبکه‌های اعتماد و مشارکت جمعی تأکید دارد. کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های همکاری و شبکه‌سازی میان افراد و گروه‌ها، سرمایه اجتماعی را افزایش داده و تاب‌آوری اجتماعی را تقویت می‌کند.

- نظریه توسعه مبتنی بر محل: این نظریه بر استفاده از ظرفیت‌ها، منابع و هویت محلی برای توسعه پایدار تأکید دارد. در این چارچوب، کارآفرینی پایدار نه تنها منجر به رشد اقتصادی می‌شود، بلکه هویت محلی را تقویت کرده و جامعه را در برابر فشارهای بیرونی مقاوم می‌سازد (پوترا و همکاران، ۲۰۲۵: ۲).

- رویکرد آینده نگاری و تاب‌آوری: این رویکرد بر پیش‌بینی تغییرات و طراحی راهبردهای انعطاف‌پذیر برای مقابله با بحران‌ها تمرکز دارد. کارآفرینان پایدار با ترکیب دانش بومی و نوآوری، راهکارهایی ایجاد می‌کنند که هم تاب‌آوری اجتماعی را ارتقاء می‌دهد و هم هویت محلی را بازتولید می‌کند (اشمیت و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۱۵۰). بر این اساس، ارتباط میان تاب‌آوری اجتماعی و هویت محلی در روستاهای مورد مطالعه می‌تواند در سه محور اصلی تحلیل شود:

- مشارکت و همبستگی اجتماعی: توانمندسازی روستاییان در فرآیندهای تصمیم‌گیری اقتصادی و اجتماعی، موجب افزایش اعتماد متقابل و انسجام اجتماعی می‌شود که شاخصی مهم از تاب‌آوری اجتماعی است.
- بازتولید هویت محلی: فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی که ریشه در تاریخ، دانش و سنت‌های محلی دارند، به بازتولید هویت محلی کمک می‌کنند و حس تعلق و مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه را افزایش می‌دهند.
- هم‌افزایی با محیط زیست و منابع طبیعی: حفاظت از منابع طبیعی و استفاده پایدار از آن‌ها، نه تنها تاب‌آوری زیست‌محیطی، بلکه تاب‌آوری اجتماعی را نیز ارتقاء می‌دهد، زیرا جامعه نسبت به محیط خود حساس و متعهد می‌شود و ارزش‌های مشترک حفظ می‌شوند (دوتا و تریودی، ۲۰۲۶: ۳۶؛ سانچز-کانون^۲ و همکاران، ۲۰۲۵: ۲).

¹ Dutta & Trivedi

² Sánchez-Cañón



در نتیجه، کارآفرینی پایدار به عنوان یک سازوکار میان‌رشته‌ای، فرآیند بازآفرینی روستایی را فراتر از جنبه اقتصادی پیش می‌برد و با تقویت تاب‌آوری اجتماعی و بازتولید هویت محلی، ساختاری پایدار و آینده‌نگر برای توسعه جوامع محلی ایجاد می‌کند. این همگرایی میان اقتصاد، اجتماع و فرهنگ، روستاها را به سکونتگاه‌هایی مقاوم، پویا و دارای هویت منسجم تبدیل می‌سازد و نقش کارآفرینی پایدار را به عنوان نیروی محرکه‌ای نشان می‌دهد که فرآیند بازآفرینی را از سطح فعالیت‌های پراکنده به سطحی راهبردی و آینده‌نگر ارتقاء می‌دهد. بنابراین، برای درک کامل سازوکارهای بازآفرینی و تبیین نقش آن در تاب‌آوری جوامع محلی، بررسی مبانی مرتبط با بازآفرینی روستایی ضروری است؛ موضوعی که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

بازآفرینی روستایی در چارچوب توسعه پایدار

بازآفرینی روستایی به عنوان یکی از رویکردهای کلیدی در توسعه پایدار، فرایندی چندبعدی و استراتژیک است که هدف آن بازسازی ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی سکونتگاه‌های روستایی، افزایش تاب‌آوری و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان است. این مفهوم فراتر از توسعه روستایی سنتی عمل می‌کند و علاوه بر بهبود زیرساخت‌ها و کالبد روستاها، بر بازتعریف نقش روستا در نظام توسعه ملی و منطقه‌ای تأکید دارد (سانچز-کانون و همکاران، ۲۰۲۵: ۱). بازآفرینی روستایی همچنین با مفاهیمی چون توانمندسازی جامعه محلی، مهاجرت معکوس و حفظ هویت فرهنگی پیوند دارد. این رویکرد تلاش می‌کند تا روستاها نه تنها محل سکونت، بلکه کانونی برای نوآوری، تولید پایدار و تعامل اجتماعی باشند (موراز^۱ و همکاران، ۲۰۲۳: ۲۴۹۳۸). بازآفرینی روستایی در سطح جهانی با رویکردهای متنوعی دنبال شده است که هر یک متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی کشورها شکل گرفته‌اند. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد این فرآیند زمانی موفق بوده است که بر پایه مشارکت فعال مردم، حمایت نهادی دولت و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین شکل گرفته باشد. در ایران نیز با توجه به چالش‌هایی همچون مهاجرت روستاییان، کاهش منابع آب و تغییرات اقلیمی، بازآفرینی روستایی می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر برای بازگرداندن پایداری و جلوگیری از زوال اجتماعی و اقتصادی در مناطق روستایی مطرح شود.

- ✓ در اروپا، سیاست‌های اتحادیه اروپا تحت عنوان برنامه پیوند اقدامات توسعه اقتصاد روستایی^۲ و ابتکار روستاهای هوشمند^۳ بر توانمندسازی جوامع محلی، توسعه اقتصاد سبز و بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال برای ارتقای کیفیت زندگی روستاییان تأکید دارند. این برنامه‌ها نشان داده‌اند که مشارکت فعال مردم و حمایت نهادی می‌تواند مهاجرت معکوس و پایداری اجتماعی را تقویت کند (لوون و استری فن در^۴، ۲۰۲۵).
- ✓ در بریتانیا، پروژه‌های بازآفرینی روستایی با تمرکز بر گردشگری پایدار و حفاظت از میراث فرهنگی توانسته‌اند علاوه بر ایجاد اشتغال، هویت محلی را نیز بازسازی کنند. این تجربه نشان می‌دهد که بازآفرینی موفق تنها به اقتصاد وابسته نیست، بلکه نیازمند توجه به سرمایه فرهنگی و اجتماعی نیز هست (شاک اسمیت و چاپمن، ۲۰۰۲).
- ✓ در آسیا، کشورهایی مانند چین و هند برنامه‌هایی برای بازآفرینی روستاها اجرا کرده‌اند. در چین، سیاست روستاهای زیبا با هدف کاهش شکاف شهری-روستایی، توسعه زیرساخت‌ها و حمایت از کارآفرینی محلی طراحی شد و توانست کیفیت زندگی روستاییان را بهبود بخشد (لو و دِ فریس، ۲۰۲۳: ۲۴). در هند نیز طرح‌های بازآفرینی با تمرکز بر کشاورزی پایدار و ایجاد صنایع کوچک روستایی، نقش مهمی در کاهش فقر و مهاجرت ایفا کرده‌اند.

¹ Mouraz

² LEADER Program

³ Smart Villages

⁴ Loewen & Streifeneder



همچنین پروژه‌های بازآفرینی در روستاهای ارمنستان نشان داده‌اند که نوآوری کشاورزی، گردشگری سبز و اتصال دیجیتال می‌تواند به بازسازی اقتصادی و اجتماعی روستاها کمک کند (بهداوریا و سینگ^۱، ۲۰۲۳: ۱۳). این نمونه‌ها نشان می‌دهند که بازآفرینی روستایی زمانی اثربخش است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند و مشارکت جامعه محلی در مرکز سیاست‌گذاری قرار داشته باشد. بر اساس این یافته‌ها، می‌توان عناصر کلیدی بازآفرینی موفق را چنین برشمرد:

جدول ۲- عناصر کلیدی بازآفرینی موفق و نمونه‌های جهانی

عناصر کلیدی	توضیح	نمونه‌های جهانی
مشارکت فعال جامعه محلی	حضور مستقیم روستاییان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌ها؛ عامل اصلی پایداری اجتماعی	برنامه‌های LEADER در اروپا
حمایت نهادی و سیاست‌گذاری دولت	پشتیبانی قانونی و نهادی دولت برای تقویت سرمایه اجتماعی و کاهش شکاف شهری-روستایی	سیاست «روستاهای زیبا» در چین
تنوع‌بخشی اقتصادی و کارآفرینی پایدار	ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در کشاورزی نوآورانه، صنایع کوچک، گردشگری و خدمات دیجیتال	پروژه‌های بازآفرینی در هند
حفظ میراث فرهنگی و هویت محلی	توجه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی برای جذب گردشگری و تقویت انسجام اجتماعی	پروژه‌های گردشگری پایدار در بریتانیا
پایداری زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی	حفاظت از منابع آب، خاک و تنوع زیستی؛ اهمیت ویژه در مناطق بحران‌زده	ابتکار Green Deal در اروپا
بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و اتصال دیجیتال	استفاده از اینترنت و فناوری‌های نوین برای آموزش، اشتغال و ارتباط با بازارهای جهانی	ابتکار Smart Villages در اروپا و پروژه‌های دیجیتال در ارمنستان

مآخذ: (لئون و استریفن‌در، ۲۰۲۵؛ شاک‌اسمیت و چاپمن، ۲۰۰۲؛ لو و دِ فریس، ۲۰۲۳؛ بهداوریا و سینگ، ۲۰۲۳).

پیوند کارآفرینی پایدار و بازآفرینی روستایی در چارچوب تلفیقی پژوهش

تبیین رابطه میان کارآفرینی پایدار و بازآفرینی روستایی نیازمند نگاهی تلفیقی است؛ نگاهی که بتواند ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در یک چارچوب منسجم گرد هم آورد. این رویکرد نه تنها به شناسایی ظرفیت‌های محلی کمک می‌کند، بلکه امکان طراحی الگوهای توسعه‌ای را فراهم می‌سازد (عینالی، ۱۴۰۳: ۴۷)، که همزمان به پایداری معیشت، ارتقای کیفیت زندگی و حفاظت از محیط زیست منجر شوند. بر همین اساس، چارچوب تلفیقی پژوهش حاضر بر سه محور اصلی بنا شده است:

۱. کارآفرینی پایدار بعنوان نیروی محرکه: ایجاد کسب‌وکارهای پایدار که همزمان ارزش اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تولید می‌کنند.
 ۲. بازآفرینی روستایی به‌عنوان بستر تحقق: استفاده از ظرفیت‌های محلی (منابع طبیعی، سرمایه اجتماعی، فرهنگ بومی) برای بازسازی و ارتقاء سکونتگاه‌های روستایی.
 ۳. نظام هم‌افزا: تعامل میان نوآوری اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت محیطی که منجر به تاب‌آوری و توسعه پایدار روستاها می‌شود (سانچز-کانون و همکاران، ۲۰۲۵: ۲؛ مورا و همکاران، ۲۰۲۳: ۲).
- در راستای تبیین ابعاد این چارچوب تلفیقی، می‌توان مؤلفه‌های کارآفرینی پایدار و بازآفرینی روستایی را در قالب ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی نه تنها امکان مقایسه و تحلیل دقیق‌تر

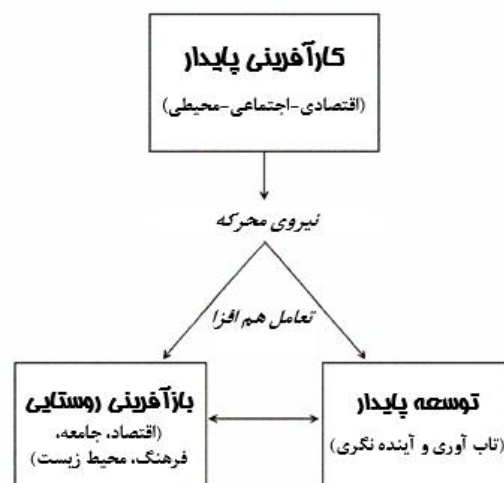
¹ Bhadauria & Singh

هر حوزه را فراهم می‌سازد، بلکه نشان می‌دهد چگونه پیوند میان این دو رویکرد می‌تواند به شکل‌گیری نظامی هم‌افزا منجر شود. در ادامه، جدول زیر به‌عنوان تلفیق این ابعاد ارائه شده است.

جدول ۳- ابعاد تلفیقی کارآفرینی پایدار و بازآفرینی روستایی

ابعاد	کارآفرینی پایدار	بازآفرینی روستایی	پیوند تلفیقی	پیشران نظری	منابع
اقتصادی	ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، تنوع فعالیت‌ها	بازسازی اقتصاد محلی، کاهش وابستگی	تاب‌آوری اقتصادی و توسعه پایدار	نظریه کارآفرینی پایدار و اقتصاد محلی	سلیمان‌پور و نوروزی اجیرلو (۱۴۰۴)؛ جمشیدی و همکاران (۱۴۰۲)؛
اجتماعی	توانمندسازی و مشارکت محلی	ارتقای سرمایه اجتماعی و هویت فرهنگی	انسجام اجتماعی و کاهش مهاجرت	نظریه سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماع	نوروزی اجیرلو و سلیمان‌پور (۱۴۰۴)؛ راموس فارونان و همکاران (۲۰۲۴)
زیست‌محیطی	حفاظت منابع، نوآوری سبز	بازسازی اکوسیستم و مدیریت پایدار	تاب‌آوری زیست‌محیطی و سازگاری اقلیمی	نظریه توسعه پایدار و نوآوری سبز	هادی‌پور و همکاران (۱۴۰۳)؛ مراز و همکاران (۲۰۲۳)
فرهنگی	صنایع دستی و روایتگری محلی	احیای میراث و آیین‌های بومی	بازآفرینی هویت محلی	نظریه هویت فرهنگی و بازآفرینی روستایی	درواری و همکاران (۱۴۰۳)؛ شهبازی و کاملی (۱۴۰۲)؛ سانچز-کانون و همکاران (۲۰۲۵)

بر اساس ابعاد تلفیقی ارائه‌شده در جدول فوق، می‌توان ساختار کلی روابط میان کارآفرینی پایدار و بازآفرینی روستایی را در قالب یک مدل مفهومی ترسیم کرد. این مدل، تعامل سه‌گانه میان نیروی محرکه، بستر تحقق و نظام هم‌افزا را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

(ماخذ: نگارندگان با اقتباس از سانچس-کانون و همکاران، ۲۰۲۵؛ مراز و همکاران، ۲۰۲۳)

کورسگارد و همکاران^۱ (۲۰۲۵)، در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی روستایی: مبانی و مسیرهای آینده در طول دوران تحول»، بر ضرورت بازاندیشی کارآفرینی روستایی در برابر چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و عدالت اجتماعی

^۱ Korsgaard et al

تأکید کرده‌اند. آنان نشان می‌دهند که کارآفرینی روستایی فراتر از توسعه اقتصادی، نقشی کلیدی در خلق ارزش اجتماعی، پایداری و تاب‌آوری دارد و با بهره‌گیری از منابع محلی و روش‌های نوین پژوهش می‌تواند الهام‌بخش نوآوری و توسعه پایدار باشد. پوترا و همکاران^۱ (۲۰۲۵)، در پژوهشی با عنوان «چشم‌انداز و فرصت کارآفرینی روستایی: بررسی سیستماتیک متون»، با مرور ۹۴ مقاله بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۴ نشان داده‌اند که کارآفرینی روستایی ماهیتی چندبعدی دارد و تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی و پویایی‌های اجتماعی-فرهنگی شکل می‌گیرد. این مطالعه چارچوبی یکپارچه برای شناسایی عوامل موفقیت ارائه کرده و آن را محرک اصلی توسعه پایدار و نوآوری سیاستی معرفی می‌کند. چامپا و همکاران^۲ (۲۰۲۵)، در پژوهشی با عنوان «بازآفرینی روستاهای اروپایی در محیط ساخته‌شده؛ از تجربه‌های موفق تا یک مدل مفهومی»، راهبردی چرخه‌ای برای بازآفرینی روستاها در چارچوب پیمان سبز و موج نوسازی اروپا ارائه کرده‌اند. این مدل با تأکید بر خودکفایی، پایداری و حفظ میراث فرهنگی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، خدمات عمومی و کشاورزی پایدار می‌تواند روستاها را به کانون نوآوری سبز و اقتصاد کم‌کربن تبدیل کند. دیونیزی و دورا^۳ (۲۰۲۵)، در پژوهشی با عنوان «بازآفرینی اقتصادهای روستایی از طریق مدل‌های کسب‌وکار پایدار: یک تحلیل سه‌لایه»، با بررسی تجربه شمال آلبانی نشان داده‌اند که مدل سه‌لایه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توانسته با همکاری کشاورزان خرد، ایجاد اشتغال و جذب گردشگر، ارزش چندبعدی خلق کند. این مدل شبکه‌های محلی و سیستم‌های غذایی چرخه‌ای را تقویت کرده است، هرچند نبود شاخص‌های دقیق برای سنجش اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی همچنان یک چالش باقی مانده است. پاونویچ و همکاران^۴ (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی پایدار در حوزه سلامت روستایی: مطالعه موردی صربستان»، نشان دادند که کارآفرینی با محورهای چون صرفه‌جویی، خانواده‌گرایی و نوآوری پایدار اهمیت یافته است. این پژوهش بر نقش کارآفرینان در پاسخ به نیازهای ناشی از سالمندی جمعیت تأکید کرده و چالش‌هایی مانند عدم بازپرداخت خدمات و نابرابری اجتماعی را برجسته ساخته است. همچنین بر ضرورت آموزش کارآفرینی اجتماعی و حمایت نهادی برای ارتقای کیفیت خدمات روستایی تأکید شده است. فارونان و همکاران^۵ (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان «پایداری و توانمندسازی روستایی: توسعه مهارت‌های کارآفرینی زنان از طریق نوآوری»، نشان دادند که موفقیت کارآفرینی زنان روستایی در صنایع دستی نتیجه تعامل عوامل فردی (مهارت‌ها و سرمایه روانی)، اجتماعی (حمایت خانواده و شبکه‌ها)، ساختاری (دسترسی به منابع مالی و بازارها) و فناورانه (نوآوری دیجیتال) است. پژوهش آنان بر اهمیت سیاست‌های حمایتی، ظرفیت‌سازی و آموزش کارآفرینی پایدار برای توانمندسازی زنان تأکید کرده و مسیرهای تحقیق آینده در حوزه تحول دیجیتال و نوآوری اجتماعی را مشخص کرده است. اکوره^۶ (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی روستایی: واکاوی مسائل عمیق و هماهنگ‌سازی دیدگاه‌های متعارض از طریق یک مرور نظام‌مند»، نشان داده است که توجه علمی به کارآفرینی روستایی از دهه ۱۹۹۰ به‌ویژه پس از ۱۹۹۵ رشد چشمگیری داشته، اما نظریه‌پردازی در این حوزه بسیار محدود بوده و کمتر از دو درصد مطالعات به توسعه نظری اختصاص یافته‌اند. این پژوهش بر شکاف موجود در ادبیات، تمرکز بیش از حد بر کشورهای توسعه‌یافته و ضرورت توجه به واقعیت‌های کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه تأکید دارد. تابارز و همکاران^۷ (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی روستایی: تحلیلی از مسائل جاری و نوظهور از چارچوب معیشت پایدار»، نشان دادند که مطالعات کارآفرینی عمدتاً بر شهرها متمرکز بوده و ویژگی‌های روستایی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. آنان چارچوب

¹ Putra et al

² Ciampa et al

³ Dionizi & Dhora

⁴ Paunovic et al

⁵ Farroñán et al

⁶ Ekure

⁷ Tabares et al

معیشت پایدار را رویکردی مناسب برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی و مقابله با فقر معرفی کردند و نقش زنان، جوانان، کارآفرینی اجتماعی و نهادها را برجسته نمودند، ضمن اینکه سرمایه اجتماعی و انسانی را مهم‌ترین سرمایه‌ها دانستند.

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی انجام شده است. سلیمان‌پور و نوروزی اجیرلو (۱۴۰۴)، در پژوهشی با عنوان «توسعه مناطق روستایی در گرو واکاوی اثرات بقای اقتصادی و کارآفرینی اجتماعی بر بازآفرینی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ارومیه)»، با بررسی ۱۲۴ روستا در ارومیه نشان دادند که بقای اقتصادی و کارآفرینی اجتماعی دو عامل اصلی بازآفرینی روستایی هستند. کارآفرینی اجتماعی با توانمندسازی و مشارکت، سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند و بقای اقتصادی از طریق تنوع فعالیت‌ها در کشاورزی، گردشگری و انرژی‌های تجدیدپذیر زمینه توسعه پایدار و انعطاف‌پذیری روستاها را فراهم می‌سازد. هادی‌پور و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیر در توسعه پایدار روستایی در کشورهای ایران، آلمان، لهستان، پاکستان و تایلند»، نقش انرژی‌های پاک را در کشورهای مختلف بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که کشورهای اروپایی با رویکردهای تعاملی و حمایت نهادی گسترده، و کشورهای آسیایی با نوآوری‌های بومی توانسته‌اند مسیر توسعه پایدار روستایی را تقویت کنند. در مقابل، ایران با چالش‌هایی چون تمرکزگرایی، فقدان استقلال نهادی و محدودیت اختیارات محلی مواجه است که مانع تحقق کامل بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیر در روستاها می‌شود. درواری و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی توسعه پایدار کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای ساحلی شهرستان ساری و میاندرد)»، نشان دادند که ظرفیت‌های طبیعی و اجتماعی-مشارکتی پایه‌های اصلی توسعه کارآفرینی پایدار هستند. این پژوهش بر نقش سیاست‌های حمایتی، فرهنگ محلی و زیرساخت‌های اقتصادی به عنوان عوامل تسهیل‌کننده تأکید کرده و بهره‌گیری از ظرفیت گردشگری ساحلی و فناوری‌های نوین را راهی برای توانمندسازی روستاییان معرفی کرده است. جمشیدی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «واکاوی ارتباط شاخص‌های کارآفرینی و توسعه پایدار روستایی با استفاده از تحلیل کانونی، مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی غرب دریاچه ارومیه»، نشان دادند که شاخص‌هایی مانند خلاقیت و اعتماد به نفس ارتباط مثبت و معناداری با مؤلفه‌های توسعه پایدار دارند. این مطالعه بر ارتقای مهارت‌هایی چون خوداتکایی، مسئولیت‌پذیری و نوآوری به عنوان زمینه‌ساز ایجاد کسب‌وکارهای جدید و بهره‌برداری پایدار از منابع تأکید کرده است. شهبازی و کاملی (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار»، نشان داده‌اند که کارآفرینی روستایی با ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد و تنوع فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فقر، جلوگیری از مهاجرت و ارتقای عدالت اجتماعی داشته باشد. این پژوهش حمایت از کارآفرینان، توسعه زیرساخت‌ها و تشویق به نوآوری را راهبردی کلیدی برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی معرفی کرده است.

جدول ۴- تحلیل پیشینه پژوهش‌ها و پیشران‌های مرتبط با کارآفرینی پایدار و بازآفرینی روستایی

منبع پژوهش	موضوع اصلی	پیشران‌های کلیدی	دسته بندی پیشران
کورسگارد و همکاران (۲۰۲۵)	کارآفرینی روستایی و بازاندیشی در برابر چالش‌های جهانی	تغییرات اقلیمی، نابرابری منطقه‌ای، عدالت اجتماعی، منابع محلی، روش‌های نوین پژوهش	محیطی / اجتماعی
پوترا و همکاران (۲۰۲۵)	چشم‌انداز و فرصت‌های کارآفرینی روستایی (مرور نظام‌مند)	موقعیت جغرافیایی، پویایی‌های اجتماعی-فرهنگی، چارچوب یکپارچه موفقیت	نظری / سیاسی
چامپا و همکاران (۲۰۲۵)	بازآفرینی روستاهای اروپایی در محیط ساخته‌شده	خودکفایی، انرژی تجدیدپذیر، مشارکت اجتماعی	نهادی / محیطی
دیونیزی و دورا (۲۰۲۵)	بازآفرینی اقتصادهای روستایی با مدل کسب‌وکار سه‌لایه	ارزش اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، شبکه‌های محلی، سیستم غذایی چرخه‌ای، برندینگ فرهنگی	اقتصادی / اجتماعی / محیطی

منبع پژوهش	موضوع اصلی	پیشران های کلیدی	دسته بندی پیشران
پاونویچ و همکاران (۲۰۲۴)	کارآفرینی پایدار در سلامت روستایی	حمایت نهادی، مدیریت ریسک بیمه	نهادی / اجتماعی
فارونان و همکاران (۲۰۲۴)	توانمندسازی زنان روستایی از طریق نوآوری	مهارت‌های کارآفرینی، سرمایه روانی، نوآوری دیجیتال	انسانی / فناورانه
اکوره (۲۰۲۴)	مرور نظام‌مند کارآفرینی روستایی	کمبود نظریه‌پردازی، تمرکز بر کشورهای توسعه‌یافته	نظری / سیاستی
تابارز و همکاران (۲۰۲۲)	کارآفرینی روستایی و معیشت پایدار	سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی	اجتماعی / انسانی
سلیمان‌پور و نوروزی (۱۴۰۴)	بقای اقتصادی و کارآفرینی اجتماعی	بقای اقتصادی، کارآفرینی اجتماعی	اقتصادی / اجتماعی
هادی‌پور و همکاران (۱۴۰۳)	انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه روستایی	استقلال نهادی، نوآوری بومی	نهادی / فناورانه
درواری و همکاران (۱۴۰۳)	الگوی توسعه پایدار کارآفرینی روستایی	ظرفیت‌های طبیعی، مشارکت اجتماعی	محیطی / اجتماعی
جمشیدی و همکاران (۱۴۰۲)	ارتباط شاخص‌های کارآفرینی و توسعه پایدار	خلاقیت، اعتماد به نفس	انسانی / اجتماعی
شهبازی و کاملی (۱۴۰۲)	جایگاه کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار	ایجاد فرصت‌های شغلی، عدالت اجتماعی	اقتصادی / اجتماعی

مرور مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که کارآفرینی روستایی، با وجود بررسی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، اغلب یا بر یک بُعد خاص متمرکز بوده و یا فاقد رویکرد تلفیقی و آینده‌نگر بوده است. بررسی‌های پیشین عمدتاً با غلبه نگاه اقتصادی، فقدان مدل‌های جامع برای ارزیابی چندبعدی و کمبود بهره‌گیری از رویکردهای آینده‌نگاری محدود شده‌اند. پژوهش حاضر با ادغام روش‌های آینده‌نگاری و تحلیل اثرات متقاطع، این کاستی‌ها را جبران کرده و الگویی جامع برای بازآفرینی روستایی در کرانه غربی دریاچه ارومیه ارائه می‌کند. نوآوری اصلی مطالعه در شناسایی و بومی‌سازی شاخص‌های کلیدی کارآفرینی پایدار نهفته است و ارزیابی آن‌ها در قالب سناریوهای محتمل، امکان طراحی راهبردهای آینده‌نگر برای توسعه پایدار روستاها را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر علاوه بر پوشش شکاف‌های نظری، چارچوبی عملی برای برنامه‌ریزی توسعه روستایی با تأکید بر تاب‌آوری اجتماعی، هویت محلی و حفاظت محیطی ارائه می‌دهد.

۳- روش، تکنیک‌ها و قلمرو

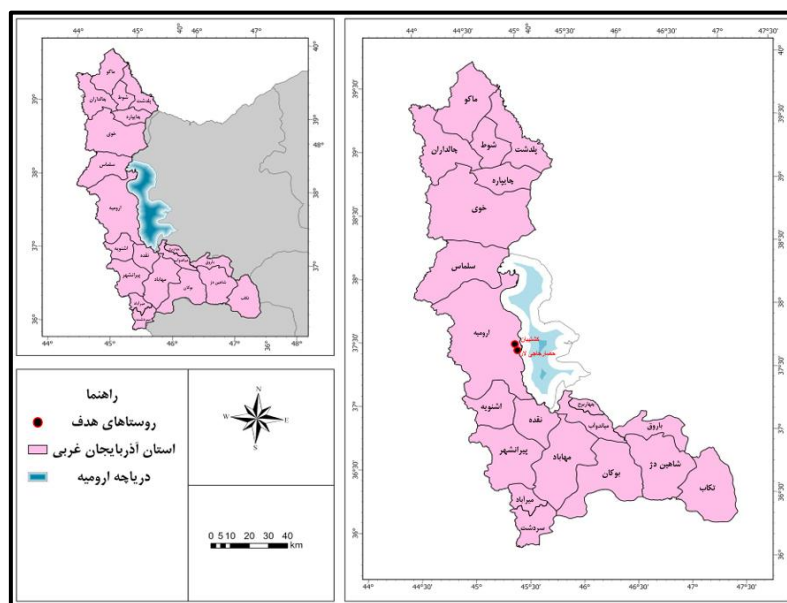
این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد آینده‌پژوهانه انجام شده است و هدف آن واکاوی نقش کارآفرینی پایدار در بازآفرینی روستایی در کرانه غربی دریاچه ارومیه، با تمرکز بر روستاهای کشتیبان و حصار حاجی‌لار است. چارچوب روش‌شناختی پژوهش بر پایه ترکیب روش‌های کیفی و کمی طراحی گردید؛ در بخش کیفی از جلسات گروهی و طوفان فکری با حضور خبرگان محلی و تخصصی استفاده شد و در بخش کمی تحلیل اثرات متقاطع با نرم‌افزار MICMAC و تدوین سناریوها با Scenario Wizard به کار گرفته شد.

جامعه پژوهش شامل ذینفعان محلی در دو روستای کشتیبان و حصار حاجی‌لار بود که دهیاران، اعضای شورا، کارآفرینان روستایی و کارشناسان توسعه را دربر می‌گرفت. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و معیار انتخاب افراد، تجربه عملی در کارآفرینی روستایی و آشنایی با شرایط محلی بود. در مجموع ۲۵ نفر شامل ۱۵ نفر از ذینفعان محلی و ۱۰ نفر از متخصصان دانشگاهی و اجرایی در فرآیند پژوهش مشارکت داشتند.

برای گردآوری داده‌ها ابتدا مرور اسناد و منابع علمی صورت گرفت تا مجموعه‌ای از متغیرهای اولیه استخراج شود. سپس نشست‌های گروهی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برگزار شد تا شاخص‌ها پالایش شوند. در ادامه پرسشنامه اثرات متقاطع طراحی و داده‌ها وارد نرم‌افزار MICMAC گردید تا میزان نفوذ و وابستگی عوامل مشخص شود. مدل‌های مورد

استفاده در پژوهش شامل MICMAC برای تحلیل روابط متقابل و تعیین جایگاه عوامل و Scenario Wizard برای ترکیب پیشران‌ها و تدوین سناریوهای آینده بودند. چارچوب نظری پژوهش نیز بر مبنای نظریه‌های کارآفرینی پایدار و بازآفرینی روستایی شکل گرفت. برای اطمینان از اعتبار نتایج، روایی محتوا از طریق اجماع خبرگان محلی و تخصصی در جلسات گروهی تأمین شد و پایایی با آزمون حساسیت در نرم‌افزار MICMAC و بررسی ثبات نتایج در سناریوهای مختلف مورد ارزیابی قرار گرفت.

قلمرو مکانی این پژوهش کرانه غربی دریاچه ارومیه را دربر می‌گیرد (شکل ۲)؛ منطقه‌ای که طی سال‌های اخیر با بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از کاهش سطح آب و تغییرات اکولوژیک مواجه بوده و همین امر ضرورت توجه به رویکردهای نوین توسعه پایدار را دوچندان ساخته است. این محدوده در استان آذربایجان غربی واقع شده است؛ استانی که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ با بیش از دو هزار و هشتصد روستا و آبادی، یکی از کانون‌های مهم سکونتگاه‌های روستایی کشور به شمار می‌رود. از این تعداد، حدود دو هزار و صد روستا دارای بیش از بیست خانوار هستند که نشان‌دهنده گستره وسیع جمعیت روستایی در این استان و اهمیت توجه به ظرفیت‌های توسعه پایدار در آن است. شهرستان ارومیه به تنهایی ۶۱۰ روستا را در خود جای داده که از نظر ترکیب قومی و مذهبی تنوع قابل توجهی دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، و همین امر بستر متنوعی برای بررسی الگوهای کارآفرینی پایدار در محیط‌های روستایی فراهم می‌آورد. جامعه مورد مطالعه، ذینفعان محلی دو روستای کشتیان و حصارحاجی‌لار واقع در دهستان بکشلوچای، شهرستان ارومیه می‌باشند. روستای کشتیان که در دهستان بکشلوچای بخش مرکزی شهرستان ارومیه واقع شده، در فاصله حدود ۲۰ کیلومتری شرق شهر ارومیه قرار دارد. این روستا دارای جمعیتی معادل ۹۱۵ نفر در قالب ۳۵۵ خانوار است که شامل ۴۴۴ مرد و ۴۷۱ زن می‌باشد. وضع طبیعی این روستا به صورت دشتی است و نام دیگر آن (در گذشته) گمیچی به معنای ناخدا در زبان محلی شناخته می‌شود. روستای حصارحاجی‌لار نیز در همان دهستان قرار دارد و جمعیت آن برابر با ۴۶۴ نفر در قالب ۱۵۰ خانوار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). وضع طبیعی این روستا نیز به صورت دشتی بوده و همانند کشتیان در محدوده جغرافیایی دهستان بکشلوچای واقع شده است.



شکل ۲- موقعیت روستاهای کشتیان و حصارحاجی لار در استان آذربایجان غربی

خشک شدن دریاچه و نمایان شدن بستر آن، علاوه بر پیامدهای زیست‌محیطی و اقتصادی، زمینه شناسایی ظرفیت‌های متنوع برای فعالیت‌های کارآفرینانه را فراهم کرده است. در روستای کشتیان، نزدیکی به بستر خشک‌شده امکان توسعه گردشگری بوم‌محور و آموزشی را ایجاد می‌کند. در حصارحاجی‌لار، ظرفیت کشاورزی سازگار با کم‌آبی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آبیاری مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، شرایط اقلیمی و منابع طبیعی هر دو روستا امکان استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی) و ایجاد منبع درآمد جدید را فراهم می‌آورد. صنایع دستی مبتنی بر فرهنگ و هنر محلی، اکوتوریسم سلامت بر پایه نمک و مواد معدنی بستر و پروژه‌های نوآوری سبز برای بازسازی اکوسیستم محلی نیز از دیگر ظرفیت‌های قابل مطالعه در این مناطق هستند. انتخاب این دو روستا به دلیل ویژگی‌های مشترک و مکمل، قرارگیری در کانون بحران زیست‌محیطی و تنوع ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته است. ترکیب این ویژگی‌ها امکان بررسی پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی بحران و مطالعه نقش کارآفرینی پایدار در بازآفرینی روستایی را فراهم می‌کند. افزون بر این، نزدیکی جغرافیایی و قرار گرفتن در یک محدوده مشترک موجب می‌شود که یافته‌ها قابلیت مقایسه و تعمیم بیشتری داشته باشند. جدول زیر خلاصه‌ای از شرایط محلی، ظرفیت‌ها و مسیرهای کارآفرینی پایدار در این دو روستا را نشان می‌دهد:

جدول ۵- شرایط محلی، ظرفیت‌ها و مسیرهای کارآفرینی پایدار در دو روستای پیرامون دریاچه ارومیه

شرایط محلی	ظرفیت‌های شناسایی شده	مسیرهای کارآفرینی پایدار
خشک شدن دریاچه ارومیه و نمایان شدن بستر خشک‌شده	موقعیت روستای کشتیان در مجاورت بستر دریاچه	توسعه گردشگری بوم‌محور و آموزشی با محوریت روایتگری محلی پیرامون بحران و سازگاری
کاهش منابع آب و بحران کم‌آبی	زمین‌های کشاورزی روستای حصارحاجی‌لار با قابلیت کشت‌های مقاوم	کشاورزی سازگار با کم‌آبی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آبیاری
پتانسیل اقلیمی برای انرژی‌های پاک	شرایط طبیعی هر دو روستا برای استفاده از انرژی خورشیدی و بادی	ایجاد نیروگاه‌های کوچک تجدیدپذیر جهت تأمین انرژی محلی و ایجاد منبع درآمد جدید
فرهنگ و هنر بومی مرتبط با دریاچه	صنایع دستی الهام‌گرفته از نمادها و عناصر فرهنگی دریاچه	تولید و بازاریابی صنایع دستی با هویت محلی و ارزش فرهنگی افزوده
وجود نمک و مواد معدنی در بستر دریاچه	منابع معدنی قابل بهره‌برداری در محدوده روستاها	توسعه اکوتوریسم سلامت و تولید محصولات مراقبتی و درمانی مبتنی بر نمک
نیاز به بازسازی اکوسیستم محلی	مشارکت جامعه محلی در فعالیت‌های زیست‌محیطی	نوآوری سبز در بازسازی اکوسیستم و ایجاد کمربند سبز پیرامون سکونتگاه‌ها

در مجموع، انتخاب این دو روستا نه صرفاً به دلیل موقعیت مکانی، بلکه به دلیل ترکیب ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز شدت مواجهه با بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه بوده است؛ ویژگی‌هایی که آن‌ها را به نمونه‌ای مناسب برای بررسی نقش کارآفرینی پایدار در فرآیند بازآفرینی روستایی و تدوین راهبردهای آینده‌پژوهانه تبدیل می‌کند.

۴- یافته‌ها و تحلیل داده

یافته‌های این پژوهش حاصل ترکیب رویکرد آینده‌نگاری با مشارکت فعال ذی‌نفعان محلی در روستاهای کشتیان و حصارحاجی‌لار است تا نقش کارآفرینی پایدار در بازآفرینی روستایی واکاوی شود. در این مسیر، ابتدا از طریق نشست‌های گروهی و گفت‌وگوهای خلاقانه، مجموعه‌ای از عوامل اثرگذار بر کارآفرینی پایدار و بازآفرینی روستایی استخراج و

اولویت‌بندی شد. این عوامل سپس در چارچوب تحلیل اثرات متقاطع (MICMAC) مورد بررسی قرار گرفتند تا میزان تأثیرگذاری و وابستگی هر یک روشن شود و پیشران‌های اصلی شناسایی گردند. در گام بعد، نرم‌افزار Scenario Wizard به کار گرفته شد تا ترکیب‌های مختلف این پیشران‌ها آزمون شود و چشم‌اندازهای محتمل آینده ترسیم گردد. بر این اساس، یافته‌ها در دو بخش تنظیم شده‌اند: نخست نتایج حاصل از جلسات طوفان فکری و شناسایی عوامل کلیدی، و سپس نتایج تحلیل MICMAC و سناریونویسی که مسیرهای متفاوت آینده را برای بازآفرینی روستایی در کرانه غربی دریاچه ارومیه نشان می‌دهد.

۱. استخراج و پالایش عوامل کلیدی از طریق جلسات طوفان فکری

در نخستین گام از فرایند آینده نگاری بازآفرینی روستایی در کرانه غربی دریاچه ارومیه، به‌منظور شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر پویایی نظام کارآفرینی پایدار، رویکردی تلفیقی مبتنی بر مرور منابع علمی، پیشینه پژوهش و مشارکت خبرگان محلی اتخاذ شد. ابتدا با بررسی نظام‌مند مطالعات داخلی و بین‌المللی در حوزه‌های توسعه پایدار روستایی، کارآفرینی اجتماعی، کشاورزی سازگار با کم‌آبی، گردشگری بوم‌محور و انرژی‌های تجدیدپذیر، مجموعه‌ای از مفاهیم و متغیرهای اولیه استخراج گردید. این داده‌های نظری به‌عنوان ورودی مقدماتی برای جلسات طوفان فکری مورد استفاده قرار گرفتند. در ادامه، نشست‌های هم‌اندیشی با حضور دهیاران، اعضای شوراهای روستایی، کارآفرینان محلی و کارشناسان توسعه برگزار شد. در این جلسات، ضمن ارائه یافته‌های نظری، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا با رویکرد طوفان فکری، عوامل پیشنهادی را نقد، تکمیل و اولویت‌بندی کنند. این فرآیند منجر به شناسایی مجموعه‌ای از شاخص‌های چندبعدی شد که هم از نظر علمی معتبر بودند و هم از منظر تجربی و بومی‌سازی قابل اتکا. این شاخص‌ها در ادامه به‌عنوان ورودی‌های اصلی تحلیل ساختاری در نرم‌افزار MICMAC مورد استفاده قرار گرفتند تا روابط علی و سطح اثرگذاری متغیرها در ساختار بازآفرینی روستایی مشخص گردد و بنیان تحلیلی سناریونویسی آینده فراهم شود. برای ارتقای کیفیت جلسات و دستیابی به نتایج معتبر، اصول اساسی روش طوفان فکری به‌طور دقیق رعایت شد. این اصول شامل: آزادی کامل در ارائه ایده‌ها، پرهیز از انتقاد در حین طرح دیدگاه، استقبال از پیشنهادهای غیرمعمول و امکان ترکیب و ارتقای ایده‌ها بود. رعایت این قواعد موجب شد فضای هم‌اندیشی به بستری خلاقانه و هم‌افزا تبدیل شود و مشارکت‌کنندگان بدون محدودیت یا فشار بیرونی، به تولید و ارتقای ایده‌ها بپردازند. همچنین، نحوه اجرای جلسات بر اساس چارچوب استاندارد طوفان فکری طراحی گردید: موضوع مورد نظر چند روز پیش از جلسه به اطلاع افراد رسید تا فرصت کافی برای آماده‌سازی داشته باشند؛ در ابتدای جلسه، تسهیل‌گر موضوع را معرفی و قواعد کار را یادآوری کرد؛ سپس ارائه ایده‌ها به‌صورت گردشی انجام گرفت و کلیه پیشنهادهای توسط دبیر جلسه ثبت شد. در پایان، نتایج دسته‌بندی و جمع‌بندی گردید تا مبنای تحلیل‌های بعدی قرار گیرد.

دستورکار جلسات طوفان فکری

برای شناسایی و آماده‌سازی ورودی‌های لازم جهت تحلیل ساختاری MICMAC، جلسات طوفان فکری در چهار گام متوالی به شرح زیر طراحی و اجرا شد:

جلسه اول: طرح موضوع و استخراج اولیه شاخص‌ها

در نخستین جلسه، موضوع کارآفرینی پایدار به‌عنوان محور بازآفرینی روستایی در کرانه غربی دریاچه ارومیه مطرح شد. در آغاز، مبنای نظری مرور گردید تا چارچوبی جامع برای تحلیل فراهم شود. نظریه‌های سه‌گانه ارزش و ارزش مشترک

نشان دادند که توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی باید هم‌زمان و در پیوند با یکدیگر دنبال شوند؛ به‌گونه‌ای که ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، توانمندسازی اجتماعی و حفاظت از منابع طبیعی به‌عنوان سه رکن اصلی کارآفرینی پایدار در نظر گرفته شوند. این مبانی نظری، پیشران‌های کلیدی همچون اشتغال پایدار، سرمایه اجتماعی، نوآوری سبز و انرژی‌های تجدیدپذیر را برجسته کردند.

در ادامه، شرایط محلی دو روستای کشتیان و حصار حاجی‌لار مورد بررسی قرار گرفت. ظرفیت‌های شناسایی‌شده در این مناطق شامل موقعیت جغرافیایی در مجاورت بستر خشک‌شده دریاچه، زمین‌های کشاورزی با قابلیت کشت‌های مقاوم، پتانسیل اقلیمی برای انرژی‌های پاک، فرهنگ و هنر بومی، منابع معدنی و نیاز به بازسازی اکوسیستم بود. این شرایط مسیرهای عملی کارآفرینی پایدار را مشخص کردند؛ از جمله توسعه گردشگری بوم‌محور، کشاورزی سازگار با کم‌آبی، ایجاد نیروگاه‌های کوچک تجدیدپذیر، تولید صنایع دستی با هویت محلی، توسعه اکوتوریسم سلامت و نوآوری سبز در بازسازی اکوسیستم. همچنین، عناصر کلیدی بازآفرینی موفق در سطح جهانی مرور شد؛ عناصری که در قالب نمونه‌های متنوعی در کشورهای مختلف به اجرا درآمده‌اند. برای نمونه، برنامه‌های LEADER در اروپا با تأکید بر مشارکت فعال جامعه محلی توانسته‌اند سرمایه اجتماعی روستاها را تقویت کنند. در چین، سیاست، روستاهای زیبا با حمایت نهادی دولت به کاهش شکاف شهری-روستایی و ارتقای کیفیت زندگی روستاییان منجر شده است. در هند، پروژه‌های بازآفرینی روستایی با تمرکز بر کشاورزی نوآورانه و صنایع کوچک، مسیرهای تازه‌ای برای اشتغال پایدار ایجاد کرده‌اند. در بریتانیا، پروژه‌های گردشگری پایدار علاوه بر ایجاد فرصت‌های اقتصادی، به حفظ میراث فرهنگی و بازسازی هویت محلی کمک کرده‌اند. در اروپا، ابتکار Green Deal بر حفاظت از منابع طبیعی و مدیریت پایدار زیست‌محیطی تأکید دارد و در نهایت، ابتکار Smart Villages در اروپا و پروژه‌های دیجیتال در ارمنستان نشان داده‌اند که بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و اتصال دیجیتال می‌تواند زمینه‌ساز نوآوری، آموزش و ارتباط روستاها با بازارهای جهانی باشد (لوون و استری‌فن در^۱، ۲۰۲۵: ۱۱؛ شکاسمیت و چاپمن^۲، ۲۰۰۲: ۲۲۶؛ لو و دِ فریس^۳، ۲۰۲۳: ۲؛ بهادوریا و سینگ، ۲۰۲۳: ۱۹).

جدول ۶- خروجی جلسه اول: دسته‌بندی اولیه پیشران‌های کلیدی کارآفرینی پایدار روستایی

حوزه	مبانی نظری و پیشران‌ها	شرایط محلی و ظرفیت‌ها	نمونه‌های جهانی و عناصر کلیدی	پشتوانه پیشینه پژوهش
اقتصادی	توسعه اقتصادی پایدار، تنوع فعالیت‌ها، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار	زمین‌های کشاورزی مقاوم به کم‌آبی، منابع معدنی، وجود نمک و مواد معدنی، پتانسیل صنایع کوچک روستایی	پروژه‌های بازآفرینی در هند با تمرکز بر کشاورزی پایدار و ایجاد صنایع کوچک روستایی	ارزش اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی؛ شبکه‌های محلی؛ سیستم غذایی چرخه‌ای؛ برندینگ فرهنگی؛ بقای اقتصادی؛ کارآفرینی اجتماعی؛ ایجاد فرصت‌های شغلی؛ عدالت اجتماعی
اجتماعی	توانمندسازی اجتماعی، مشارکت روستاییان، مشارکت اجتماعی، عدالت اجتماعی	فرهنگ و هنر بومی، مشارکت جامعه محلی، روایتگری پیرامون بحران و سازگاری، ظرفیت زنان و جوانان	برنامه‌های LEADER در اروپا؛ پروژه‌های گردشگری پایدار در بریتانیا	نابرابری منطقه‌ای؛ عدالت اجتماعی؛ موقعیت جغرافیایی؛ پویایی‌های اجتماعی-فرهنگی؛ چارچوب یکپارچه موفقیت؛ سرمایه اجتماعی؛ سرمایه انسانی؛ توانمندسازی زنان؛ خلاقیت؛ اعتماد به نفس

¹ Loewen & Streifeneder

² Shucksmith & Chapman

³ Lu & De Vries

حوزه	مبانی نظری و پیشران ها	شرایط محلی و ظرفیت ها	نمونه های جهانی و عناصر کلیدی	پشتوانه پیشینه پژوهش
زیست محیطی	حفاظت منابع طبیعی، نوآوری سبز، انرژی های تجدیدپذیر	پتانسیل انرژی خورشیدی و بادی، نیاز به بازسازی اکوسیستم، ایجاد کمربند سبز، اکوتوریسم سلامت	ابتکار Green Deal در اروپا؛ سیاست «روستاهای زیبا» در چین	تغییرات اقلیمی؛ نقاط واژگونی اکوسیستم؛ تهدید زیستگاه ها؛ منابع محلی؛ خودکفایی؛ انرژی تجدیدپذیر؛ ظرفیت های طبیعی؛ نوآوری بومی
فرهنگی - هویتی	پیوند ارزش مشترک با میراث فرهنگی و سرمایه اجتماعی	صنایع دستی الهام گرفته از نمادهای دریاچه، هویت فرهنگی افزوده، روایتگری فرهنگی	پروژه های گردشگری پایدار در بریتانیا؛ پروژه های دیجیتال در ارمنستان	حمایت نهادی؛ مدیریت ریسک بیمه؛ استقلال نهادی؛ روش های نوین پژوهش؛ مهارت های کارآفرینی؛ سرمایه روانی؛ نوآوری دیجیتال؛ کمبود نظریه پردازی؛ تمرکز بر کشورهای توسعه یافته

جلسه دوم: نقد و پالایش شاخص ها با مشارکت خبرگان محلی و تخصصی

در جلسه دوم، فهرست شاخص های مرحله نخست با حضور خبرگان محلی و متخصصان بازبینی شد. در این فرآیند، شاخص هایی که هم پوشانی داشتند یا با شرایط واقعی روستاهای کشتیبان و حصارحاجی لار سازگار نبودند کنار گذاشته شدند و در مقابل، شاخص های کلیدی تر همچون نقش زنان در کارآفرینی، ظرفیت گردشگری بوم محور، مدیریت پایدار منابع آب و بهره گیری از فناوری های نوین تقویت شدند. همچنین، برخی شاخص های جدید که از منطق ادامه ی جلسه اول و پیشران های مطرح شده در آن استخراج شدند؛ مانند آموزش مهارت های کارآفرینی به جوانان و شبکه سازی میان روستاها به فهرست اضافه گردید. خروجی این جلسه، مجموعه ای پالایش شده و بومی شده از شاخص ها بود که با اجماع خبرگان به عنوان مبانی ادامه پژوهش تصویب شد.

افزون بر این فرایند رسمی؛ در جریان جلسه دوم، برخی اعضای محلی پیشنهادهایی را مطرح کردند که بیشتر جنبه ی ابتکاری و بومی داشتند؛ از جمله احداث پیست اتومبیلرانی و پیست موتورسواری به عنوان راهی برای جذب گردشگران جوان و ایجاد هیجان در منطقه، پرورش آرتمیسا به عنوان منبع درآمد نوین با توجه به شرایط خاص بستر دریاچه، و راه اندازی والیبال ساحلی به عنوان فعالیت ورزشی-تفریحی. در خصوص والیبال ساحلی، اعضای محلی با اشاره به جایگاه شهر ارومیه به عنوان قطب والیبال کشور، این ایده را فرصتی برای پیوند هویت ورزشی منطقه با توسعه گردشگری دانستند. خبرگان تخصصی این موارد را از منظر کارآفرینی پایدار مورد نقد قرار دادند؛ در مورد پیست های اتومبیلرانی و موتورسواری، نگرانی هایی درباره ناسازگاری با محیط زیست و هزینه های بالای زیرساختی مطرح شد؛ در مورد پرورش آرتمیسا، هرچند ظرفیت بالقوه ای برای صادرات و درآمدزایی وجود دارد، اما نیازمند مطالعات زیست محیطی دقیق و مدیریت منابع آبی است؛ و درباره والیبال ساحلی، اگرچه می تواند به ارتقاء نشاط اجتماعی و جذب گردشگر کمک کند، اما به تنهایی شاخصی کلیدی برای بازآفرینی روستایی محسوب نمی شود. در نهایت، این پیشنهادها به عنوان ایده های جانبی ثبت شدند، اما در فهرست نهایی شاخص های پالایش شده جای نگرفتند و اولویت پژوهش بر شاخص های بومی تر و پایدارتر متمرکز شد.

جدول ۷- خروجی جلسه دوم: نقد و پالایش شاخص‌ها

حوزه	شاخص‌های مورد نقد و پالایش	خروجی جلسه
اقتصادی	بررسی شاخص‌های مرتبط با تنوع فعالیت‌ها و اشتغال پایدار؛ تمرکز بر کشاورزی مقاوم به کم‌آبی و صنایع دستی. حذف موارد غیرسازگار (فعالیت‌های پرهزینه یا ناسازگار با محیط)	شاخص‌های اقتصادی معتبر و بومی‌شده شامل کشاورزی پایدار، صنایع کوچک روستایی، گردشگری بوم‌محور
اجتماعی	نقد شاخص‌های مشارکت اجتماعی و توانمندسازی؛ تقویت نقش زنان و جوانان؛ حذف موارد کم‌اثر مانند فعالیت‌های غیررسمی	شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی تقویت‌شده شامل سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان، مشارکت جوانان؛ اولویت‌بندی بر عدالت اجتماعی و انسجام محلی
زیست‌محیطی	پالایش شاخص‌های حفاظت منابع طبیعی و انرژی‌های تجدیدپذیر؛ حذف طرح‌های غیرکاربردی؛ تأکید بر مدیریت پایدار منابع آب	مدیریت پایدار منابع آب، انرژی خورشیدی و بادی، بازسازی اکوسیستم، نوآوری سبز
فرهنگی- هویتی	نقد شاخص‌های مرتبط با صنایع دستی و میراث فرهنگی؛ تقویت روایتگری بحران و هویت محلی؛ حذف موارد تکراری یا کم‌اثر	صنایع دستی بومی، میراث فرهنگی، هویت روستایی، روایتگری فرهنگی

بررسی‌های جلسه دوم نشان داد که تنها شاخص‌هایی قابلیت تبدیل شدن به مبنای پژوهش را دارند که هم‌زمان سه ویژگی بومی بودن، قابلیت اجرا و هم‌خوانی با مبانی نظری کارآفرینی پایدار را دارا باشند. به همین دلیل، مواردی که هم‌پوشانی داشتند و یا با شرایط واقعی روستاهای کشتیبان و حصارحاجی‌لار سازگار نبودند حذف شدند و شاخص‌های کلیدی‌تر تقویت گردیدند. خروجی این جلسه، مجموعه‌ای پالایش‌شده و معتبر از شاخص‌ها بود که با اجماع خبرگان تصویب شد و به‌عنوان چارچوب اصلی ادامه پژوهش در نظر گرفته شد. این روند نشان می‌دهد که مسیر بازآفرینی روستایی در کرانه غربی دریاچه ارومیه تنها زمانی موفق خواهد بود که بر پایه‌ی شاخص‌های پایدار، بومی و آینده‌نگر بنا شود.

جلسه سوم: دسته‌بندی و بومی‌سازی شاخص‌ها

در جلسه سوم، مجموعه شاخص‌های پالایش‌شده حاصل از نقد خبرگان در جلسه دوم، وارد مرحله‌ی دسته‌بندی و بومی‌سازی شدند. هدف این مرحله آن بود که شاخص‌ها نه‌تنها در قالب حوزه‌های اصلی سامان یابند، بلکه با شرایط ویژه‌ی کرانه غربی دریاچه ارومیه و ظرفیت‌های روستاهای کشتیبان و حصارحاجی‌لار تطبیق داده شوند. در این فرایند، خبرگان محلی و تخصصی با تأکید بر ویژگی‌های بومی منطقه، شاخص‌ها را در چهار حوزه‌ی اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی- هویتی بازتعریف کردند.

جدول ۸- خروجی جلسه سوم: دسته‌بندی و بومی‌سازی شاخص‌ها

حوزه	شاخص‌های پالایش‌شده	بومی‌سازی برای شرایط کرانه غربی دریاچه ارومیه	منشأ در جلسات قبلی
اقتصادی	کشاورزی پایدار، صنایع کوچک روستایی، گردشگری بوم‌محور	تمرکز بر کشت‌های مقاوم به کم‌آبی، صنایع دستی محلی، گردشگری سلامت، اکوتوریسم	جلسه اول: ظرفیت زمین‌های کشاورزی مقاوم و صنایع دستی؛ جلسه دوم: تقویت گردشگری بوم‌محور
اجتماعی	سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان، مشارکت جوانان، عدالت اجتماعی	شوراهای محلی فعال، آموزش مهارت‌های کارآفرینی، روایتگری بحران، حضور زنان در بازار محلی	جلسه اول: مشارکت اجتماعی و روایتگری؛ جلسه دوم: نقش زنان و جوانان
زیست‌محیطی	مدیریت پایدار منابع آب، انرژی‌های تجدیدپذیر، بازسازی اکوسیستم	مدیریت پایدار منابع آب، ایجاد کمربند سبز، نیروگاه‌های کوچک خورشیدی و بادی، حفاظت خاک و تنوع زیستی	جلسه اول: پتانسیل انرژی خورشیدی و بادی، بازسازی اکوسیستم؛ جلسه دوم: مدیریت پایدار منابع آب
فرهنگی- هویتی	صنایع دستی بومی، میراث فرهنگی، هویت روستایی، روایتگری بحران	برندینگ فرهنگی بر پایه نمادهای دریاچه، توسعه صنایع دستی با هویت محلی، گردشگری فرهنگی	جلسه اول: صنایع دستی الهام‌گرفته از نمادهای دریاچه؛ جلسه دوم: تقویت روایتگری بحران و هویت محلی

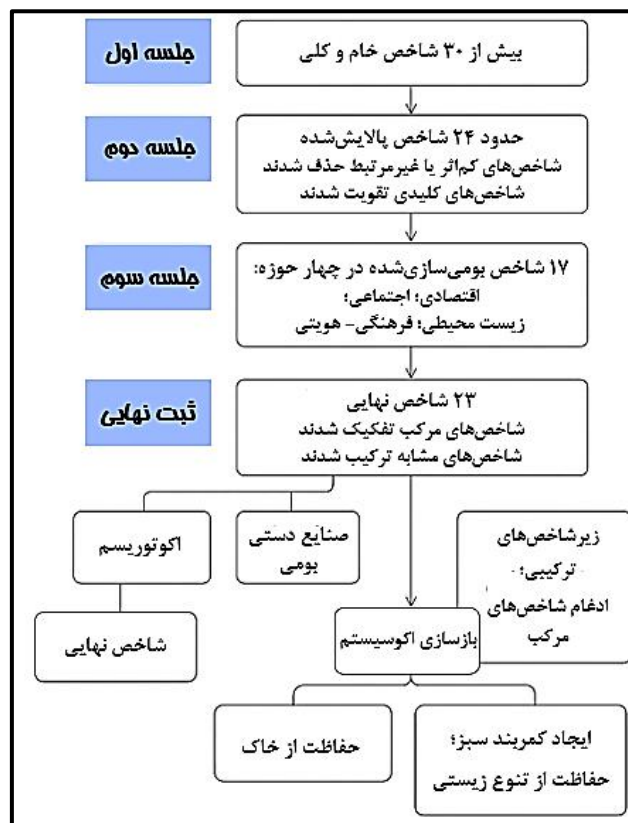
جلسه چهارم: آماده سازی ورودی های نهایی برای تحلیل MICMAC

در جلسه چهارم، مسیر سه نشست پیشین به نقطه ای جمع بندی رسید. شاخص های استخراج شده و پالایش و بومی سازی شده، در قالبی یکپارچه مورد بازبینی نهایی قرار گرفتند. خبرگان با تمرکز بر معیارهای کارآمدی عملی، هم پوشانی مفهومی و قابلیت راهبردی، شاخص هایی را که مشابه یا هم راستا بودند ترکیب کردند و در مقابل، شاخص های جزئی تر را تفکیک نمودند تا تصویری دقیق تر از عوامل مؤثر به دست آید. این فرایند باعث شد مجموعه ای متوازن از شاخص ها مطابق جدول زیر شکل گیرد که با شرایط واقعی روستاهای موضوع مورد مطالعه سازگار است. در پایان نشست، فهرست نهایی شامل ۲۳ شاخص کلیدی تثبیت شد؛ شاخص هایی که به عنوان چارچوب اصلی پژوهش و مبنای تحلیل های آینده نگاری انتخاب شدند. این فهرست ساختارمند، آماده شد تا در مرحله ی بعدی وارد فرآیند تحلیل روابط متقابل و سنجش اثرگذاری و اثرپذیری شاخص ها گردد.

جدول ۹- خروجی جلسه چهارم: ورودی نهایی برای نرم افزار MICMAC

شاخص ها و پیشران های نهایی	حوزه
۱. کشت های مقاوم به کم آبی ۲. سیستم های نوین آبیاری ۳. صنایع کوچک روستایی ۴. گردشگری بوم محور ۵. صنایع دستی محلی ۶. برندینگ اقتصادی	اقتصادی
۷. سرمایه اجتماعی ۸. توانمندسازی زنان روستایی ۹. مشارکت جوانان در کارآفرینی ۱۰. عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری ۱۱. آموزش مهارت های کارآفرینی	اجتماعی
۱۲. مدیریت پایدار منابع آب ۱۳. انرژی های تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی) ۱۴. حفاظت خاک ۱۵. ایجاد کمربند سبز پیرامون سکونتگاه ها ۱۶. حفظ تنوع زیستی ۱۷. تاب آوری زیست محیطی	زیست محیطی
۱۸. میراث فرهنگی روستایی ۱۹. صنایع دستی بومی ۲۰. روایتگری بحران و سازگاری محلی ۲۱. گردشگری فرهنگی ۲۲. هویت فرهنگی پایدار ۲۳. برندینگ فرهنگی بر پایه نمادهای دریاچه	فرهنگی-هویتی

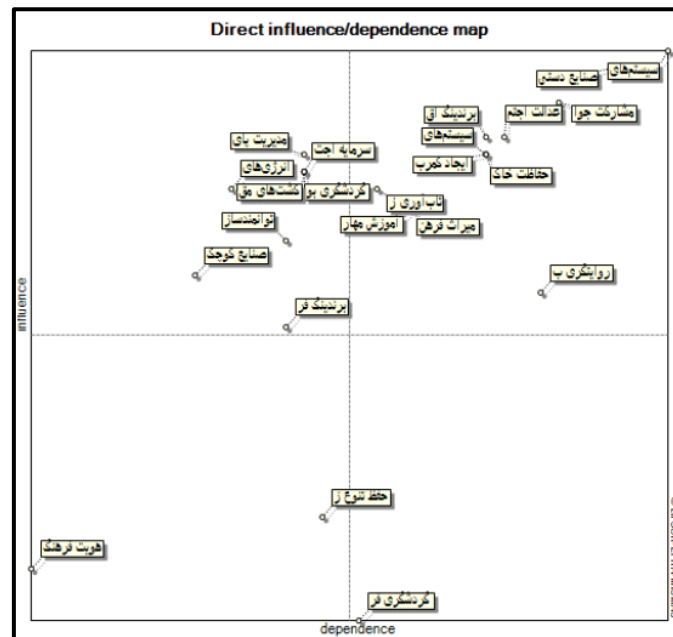
شکل ۳ روند تکاملی شاخص های پژوهش را از مرحله استخراج اولیه تا تثبیت نهایی نشان می دهد. این مسیر در چهار جلسه تخصصی با مشارکت خبرگان محلی و تخصصی طی شده و منجر به شناسایی ۲۳ شاخص کلیدی برای تحلیل میک مک گردیده است.



شکل ۳- روند تکاملی شاخص‌های کارآفرینی پایدار در چهار جلسه تخصصی

۲. تحلیل اثرات متقاطع و ترسیم سناریوهای آینده با رویکردهای MICMAC و Scenario Wizard

پس از شناسایی و پالایش شاخص‌های کلیدی کارآفرینی پایدار در کرانه غربی دریاچه ارومیه، پژوهش وارد مرحله‌ای کمی و ساختاری شد. در این مرحله، شاخص‌های نهایی به‌عنوان ورودی در چارچوب روش MICMAC مورد استفاده قرار گرفتند تا روابط متقابل و میزان اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها مشخص شود. نتایج این تحلیل مبنای انتخاب پیشران‌های کلیدی و طراحی سناریوهای آینده در نرم‌افزار Scenario Wizard قرار گرفت. به صورت کلی نتایج اولیه خروجی نرم‌افزار میک مک نشان داد، درجه پرشدگی ماتریس اثرات متقاطع برابر با $95/62$ درصد بوده که نشان‌دهنده‌ی سطح بالایی تعامل میان شاخص‌های انتخاب‌شده است. همچنین، از مجموع کل روابط، 23 رابطه فاقد رابطه اثرگذاری و اثرپذیری (صفر) بوده و در مقابل، 506 روابط ضعیف، متوسط و بسیار قوی میان شاخص‌ها شناسایی شده‌اند. همچنین، تعداد قابل توجهی از ارتباطات به‌صورت بالقوه و غیرمستقیم ثبت گردیده است. این نتایج بیانگر آن است که شبکه‌ی شاخص‌ها از انسجام بالایی برخوردار بوده و زمینه‌ی مناسبی برای تحلیل ساختاری در نرم‌افزار MICMAC فراهم می‌کند. بر این اساس، امکان تفکیک شاخص‌ها به دسته‌های اثرگذار، اثرپذیر، دوجبه‌ی و مستقل فراهم شده و مسیر شناسایی پیشران‌های کلیدی هموار گردیده است.



شکل ۴- جایگاه متغیرهای کلیدی در ماتریس اثرگذاری مستقیم

بر اساس نتایج تحلیل ساختاری (شکل ۴)، مجموعه‌ای از عوامل به‌عنوان پیشران‌های کلیدی بازآفرینی روستایی در کرانه غربی دریاچه ارومیه شناسایی شدند که بیشترین نقش را در شکل‌دهی آینده دارند و مستقیماً بر سایر شاخص‌ها تأثیر می‌گذارند. برخی متغیرها عمدتاً اثرپذیر و نتیجه تغییرات سایر پیشران‌ها هستند، در حالی که گروهی دوجبهی، هم اثرگذار و هم اثرپذیر بوده و در تدوین سناریوهای مدیریتی اهمیت دارند. همچنین، بخشی از متغیرها نقش تنظیمی داشته و روابط میان سایر شاخص‌ها را تعدیل می‌کنند.

در ادامه، جدول ۱۰ نتایج مربوط به میزان اثرگذاری پیشران‌های کلیدی را ارائه می‌کند و نشان می‌دهد هر عامل تا چه حد بر سایر متغیرها نفوذ دارد؛ چه در قالب روابط مستقیم و چه در قالب ارتباطات غیرمستقیم.

جدول ۱۰- میزان نفوذ پیشران‌های کلیدی بر سایر متغیرها (روابط مستقیم و غیرمستقیم)

رتبه	شاخص	اثرگذاری مستقیم	اثرگذاری غیر مستقیم
۱	کشت‌های مقاوم به کم‌آبی	۵۷۲	۵۴۹
۲	مدیریت پایدار منابع آب	۴۸۹	۴۹۷
۳	انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی)	۴۹۰	۴۸۸
۴	صنایع کوچک روستایی	۴۷۷	۴۸۳
۵	گردشگری بوم‌محور	۴۷۸	۴۸۲
۶	سرمایه اجتماعی	۴۷۸	۴۸۱
۷	توانمندسازی زنان روستایی	۴۶۲	۴۴۸
۸	برندینگ فرهنگی بر پایه نمادهای دریاچه	۳۵۲	۳۴۸

مطابق جدول شماره (۱۰)، نتایج تحلیل نشان می‌دهد که کشت‌های مقاوم به کم‌آبی، بیشترین میزان اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم را داشته و به‌عنوان مهم‌ترین پیشران در بازآفرینی روستایی شناخته می‌شود. پس از آن، مدیریت پایدار منابع آب و انرژی‌های تجدیدپذیر در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند که نقش کلیدی در کاهش فشار بر منابع

طبیعی دارند. صنایع کوچک روستایی و گردشگری بوم‌محور نیز با اثرگذاری قابل توجه، زمینه‌های متنوعی برای توسعه پایدار فراهم می‌کنند. در ادامه، سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی به‌عنوان عوامل تقویت‌کننده ظرفیت‌های محلی مطرح شده‌اند. در نهایت، برندینگ فرهنگی بر پایه نمادهای دریاچه با کمترین میزان اثرگذاری در میان پیشران‌ها قرار دارد، اما اهمیت آن در هویت‌بخشی و انسجام اجتماعی چشمگیر است. در ادامه، نرم‌افزار Scenario Wizard برای بررسی پیشران‌های کلیدی بحران آب دریاچه ارومیه به کار گرفته شد تا مسیرهای محتمل آینده ترسیم شوند. برای هر یک از متغیرهای اصلی، سه وضعیت بر اساس سطح عدم قطعیت تعریف گردید: حالت خوش‌بینانه، حالت میانه و حالت بدبینانه. بدین ترتیب، برای هشت پیشران کلیدی در مجموع ۲۴ وضعیت محتمل تدوین شد که در جدول (۱۱) ارائه شده است.

جدول ۱۱- سناریوهای آینده پیشران‌های کلیدی کارآفرینی پایدار در بازآفرینی روستایی بر اساس سطوح عدم قطعیت

پیشران	عدم قطعیت ۱ (خوش‌بینانه)	عدم قطعیت ۲ (بینابین)	عدم قطعیت ۳ (بدبینانه)
کشت‌های مقاوم به کم‌آبی	گسترش کشت‌های مقاوم	ترکیب محدود کشت‌های مقاوم	تداوم کشت‌های سنتی پرمصرف
مدیریت پایدار منابع آب	مدیریت پایدار و یکپارچه	مدیریت نسبی با نظارت محدود	مدیریت ناکارآمد منابع
انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی)	توسعه گسترده انرژی‌های تجدیدپذیر	استفاده محدود از انرژی‌های نو	وابستگی به سوخت‌های فسیلی
صنایع کوچک روستایی	رونق صنایع کوچک پایدار	فعالیت محدود با حمایت پراکنده	رکود صنایع کوچک
گردشگری بوم‌محور	توسعه گردشگری بوم‌محور	گردشگری محدود و کنترل ضعیف	افول گردشگری
سرمایه اجتماعی	تقویت سرمایه اجتماعی	مشارکت محدود	کاهش اعتماد اجتماعی
توانمندسازی زنان روستایی	توانمندسازی کامل زنان	مشارکت محدود زنان	حذف زنان از فرآیند توسعه
برندینگ فرهنگی بر پایه نمادهای دریاچه	برندینگ گسترده بر پایه نمادهای دریاچه	استفاده محدود از ظرفیت فرهنگی	بی‌توجهی به فرهنگ محلی

تحلیل سناریوهای قوی: در چارچوب آینده نگاری و با بهره‌گیری از نرم‌افزار Scenario Wizard، سناریوهای معتبر و باورپذیر به‌عنوان مبنای اصلی تحلیل انتخاب می‌شوند. در میان این سناریوها، دسته‌ای تحت عنوان سناریوهای قوی اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا توانایی آن‌ها در بازنمایی وضعیت‌های محتمل آینده بیشتر بوده و قابلیت استفاده در طراحی راهبردهای عملی را فراهم می‌سازد. در این مرحله، دو سناریوی کلیدی به‌طور جداگانه مورد بازنگری قرار می‌گیرند تا زمینه برای تدوین سیاست‌ها و اقدامات متناسب با هر مسیر فراهم شود. نخستین سناریو، تمامی وضعیت‌های خوش‌بینانه را در بر می‌گیرد و به‌عنوان مطلوب‌ترین چشم‌انداز آینده شناخته می‌شود. در مقابل، سناریوی دوم شامل وضعیت‌های بدبینانه بوده و به‌عنوان نامطلوب‌ترین مسیر محتمل ارزیابی می‌گردد. جزئیات مربوط به وضعیت عوامل کلیدی در هر سناریو در جدول (۱۲) ارائه شده است.

جدول ۱۲- سناریوهای استخراج شده توسط نرم‌افزار Scenario Wizard

سناریوی شماره ۱ (مطلوب)	سناریوی شماره ۲ (نامطلوب)
گسترش کشت‌های مقاوم	تداوم کشت‌های سنتی پرمصرف
مدیریت پایدار و یکپارچه	مدیریت ناکارآمد منابع
توسعه گسترده انرژی‌های تجدیدپذیر	وابستگی به سوخت‌های فسیلی
رونق صنایع کوچک پایدار	رکود صنایع کوچک
توسعه گردشگری بوم‌محور	افول گردشگری
تقویت سرمایه اجتماعی	کاهش اعتماد اجتماعی
توانمندسازی کامل زنان	حذف زنان از فرآیند توسعه
برندینگ گسترده بر پایه نمادهای دریاچه	بی‌توجهی به فرهنگ محلی



گروه‌بندی سناریوها: در فرآیند آینده نگاری، مرحله‌ی گروه‌بندی سناریوها در نرم‌افزار Scenario Wizard اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این مرحله به انسجام و سازگاری میان سناریوهای محتمل کمک می‌کند. نرم‌افزار با بهره‌گیری از ماتریس تحلیل اثرات متقابل، مجموعه‌ای از وضعیت‌های احتمالی را ارزیابی کرده و آن‌ها را بر اساس میزان سازگاری و احتمال وقوع دسته‌بندی می‌نماید. نتیجه این فرایند، انتخاب سناریوهایی است که از اعتبار و قابلیت اجرایی بیشتری برخوردارند. بر همین اساس، وضعیت‌های پیش‌رو در نهایت در قالب دو سناریوی اصلی ساماندهی شده‌اند: نخست، سناریوی خوش‌بینانه که مطلوب‌ترین چشم‌انداز آینده را ترسیم می‌کند؛ و دوم، سناریوی بدبینانه که به‌عنوان نامطلوب‌ترین و بحرانی‌ترین مسیر محتمل شناخته می‌شود. جزئیات این دسته‌بندی در جدول شماره (۱۳) ارائه شده است.

جدول ۱۳- گروه بندی و ویژگی های سناریو

گروه	سناریوها	امتیاز	کد سناریو
گروه اول مطلوب	سناریو اول	۲۰۸۰۸	کشت‌های مقاوم و کاهش وابستگی به محصولات پرمصرف مدیریت پایدار و یکپارچه منابع و تخصیص عادلانه آب توسعه گسترده انرژی‌های خورشیدی و بادی در روستاها رونق صنایع کوچک و ایجاد اشتغال پایدار توسعه گردشگری بوم‌محور با حفاظت از محیط زیست تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی توانمندسازی زنان و حضور فعال در کارآفرینی برندینگ فرهنگی بر پایه نمادهای دریاچه و هویت محلی
گروه دوم بحرانی	سناریو دوم	۱۴۸۳۲	تداوم کشت‌های سنتی پرآبر و تشدید بحران منابع ضعف در مدیریت و تشدید بحران کم‌آبی وابستگی شدید به سوخت‌های فسیلی و افزایش هزینه‌ها رکود صنایع محلی و وابستگی به مشاغل غیررسمی افول گردشگری و تخریب منابع طبیعی کاهش مشارکت و بی‌اعتمادی اجتماعی تداوم نابرابری جنسیتی و حذف زنان از فرآیند توسعه بی‌توجهی به فرهنگ بومی و فراموشی نمادهای دریاچه

یافته‌های جدول شماره (۱۳) نشان می‌دهد که سناریوهای آینده در دو دسته‌ی اصلی قابل تفکیک‌اند: سناریوی مطلوب (امتیاز ۲۰۸۰۸) و سناریوی بحرانی (امتیاز ۱۴۸۳۲). سناریوی مطلوب با امتیاز بالاتر، تصویری از آینده‌ای پایدار و متوازن ارائه می‌دهد که در آن کشت‌های مقاوم به کم‌آبی جایگزین الگوهای پرمصرف می‌شوند، مدیریت منابع آب به‌صورت یکپارچه و عادلانه انجام می‌گیرد، انرژی‌های تجدیدپذیر در روستاها توسعه می‌یابند و صنایع کوچک محلی رونق می‌گیرند. در این مسیر، گردشگری بوم‌محور با رویکرد حفاظتی گسترش می‌یابد، سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود، زنان روستایی نقش فعال در کارآفرینی ایفا می‌کنند و برندینگ فرهنگی بر پایه نمادهای دریاچه هویت محلی را تثبیت می‌نماید. در مقابل، سناریوی بحرانی با امتیاز پایین‌تر، آینده‌ای نامطلوب را ترسیم می‌کند که در آن کشت‌های سنتی پرآبر ادامه یافته و بحران منابع تشدید می‌شود، مدیریت آب ناکارآمد باقی می‌ماند، وابستگی به سوخت‌های فسیلی افزایش می‌یابد و صنایع محلی دچار رکود می‌شوند. همچنین، گردشگری افول می‌کند، مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد، نابرابری جنسیتی تداوم می‌یابد و بی‌توجهی به فرهنگ بومی موجب فراموشی نمادهای دریاچه می‌گردد. مقایسه این دو گروه نشان می‌دهد که فاصله میان سناریوی مطلوب و بحرانی در واقع بازتابی از کیفیت مدیریت منابع، میزان مشارکت اجتماعی و توانایی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوآورانه است؛ به‌گونه‌ای که مسیر آینده روستاهای کرانه غربی دریاچه ارومیه به‌شدت به این عوامل وابسته خواهد بود.

۵- بحث و فرجام

نتایج این پژوهش حاصل ترکیب رویکرد آینده نگاری با مشارکت فعال ذینفعان محلی در روستاهای کشتیبان و حصار حاجی لار است و با هدف واکاوی نقش کارآفرینی پایدار در بازآفرینی روستایی انجام شد. در گام نخست، مجموعه‌ای از عوامل اثرگذار بر کارآفرینی پایدار از طریق مرور منابع، بررسی پیشینه پژوهش و نشست‌های گروهی استخراج گردید و سپس در جلسات طوفان فکری با حضور دهیاران، اعضای شوراهای روستایی، کارآفرینان محلی و کارشناسان توسعه مورد نقد و تکمیل قرار گرفت. این فرآیند منجر به شناسایی شاخص‌های چندبعدی معتبر و بومی شد که با شرایط محلی سازگاری داشتند. در ادامه، ظرفیت‌های ویژه منطقه شامل کشاورزی مقاوم به کم‌آبی، پتانسیل انرژی‌های تجدیدپذیر، فرهنگ و هنر بومی و ضرورت بازسازی اکوسیستم بررسی گردید و مسیرهای عملی کارآفرینی پایدار همچون گردشگری بوم‌محور، صنایع دستی محلی، اکوتوریسم سلامت و نوآوری سبز مشخص شد. مرور نمونه‌های موفق جهانی نیز پشتوانه نظری و تجربی پژوهش را تقویت کرد. در مراحل بعدی، شاخص‌های استخراج‌شده پالایش شدند؛ موارد هم‌پوشان یا ناسازگار حذف و شاخص‌های کلیدی‌تر مانند نقش زنان، مدیریت پایدار منابع آب و گردشگری بوم‌محور تقویت گردید. سپس این شاخص‌ها در چهار حوزه اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی-هویتی بازتعریف و با شرایط بومی کرانه غربی دریاچه ارومیه تطبیق داده شدند. در نهایت، پس از ترکیب و اولویت‌بندی، فهرست نهایی شامل ۲۳ شاخص کلیدی تثبیت شد که مبنای تحلیل اثرات متقاطع در نرم‌افزار میک‌مک و سناریونویسی آینده قرار گرفت تا مسیرهای محتمل بازآفرینی روستایی در کرانه غربی دریاچه ارومیه روشن شود. نتایج تحلیل اثرات متقاطع نشان داد که آینده بازآفرینی روستایی در کرانه غربی دریاچه ارومیه بیش از هر چیز تحت تأثیر مجموعه‌ای از پیشران‌های کلیدی قرار دارد. در میان آن‌ها، کشت‌های مقاوم به کم‌آبی به‌عنوان مهم‌ترین عامل شناخته شد که بیشترین اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم را بر سایر شاخص‌ها دارد و می‌تواند مسیر توسعه پایدار را تعیین کند. پس از آن، مدیریت پایدار منابع آب و انرژی‌های تجدیدپذیر در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند و نقش حیاتی در کاهش فشار بر منابع طبیعی و ارتقای تاب‌آوری زیست‌محیطی دارند. همچنین، صنایع کوچک روستایی و گردشگری بوم‌محور با اثرگذاری قابل توجه، ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی تازه‌ای برای روستاها فراهم می‌کنند. در کنار این عوامل، سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی به‌عنوان عناصر تقویت‌کننده ظرفیت‌های محلی مطرح شده‌اند و برندینگ فرهنگی بر پایه نمادهای دریاچه نیز با وجود اثرگذاری کمتر، اهمیت چشمگیری در هویت‌بخشی و انسجام اجتماعی دارد.

این نتایج نشان می‌دهد که مسیر آینده روستاهای کرانه غربی دریاچه ارومیه به‌شدت وابسته به نحوه مدیریت پیشران‌های کلیدی است؛ به‌گونه‌ای که ترکیب وضعیت‌های خوش‌بینانه، میانه و بدبینانه برای هر عامل، چشم‌اندازهای متفاوتی از آینده را ترسیم می‌کند. در نهایت، دو سناریوی اصلی شکل گرفت: سناریوی مطلوب با امتیاز بالاتر که آینده‌ای پایدار، متوازن و نوآورانه را نشان می‌دهد، و سناریوی بحرانی با امتیاز پایین‌تر که تداوم الگوهای ناکارآمد و تشدید بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را به تصویر می‌کشد.

از این رو در پاسخ به پرسش پژوهش که "چگونه می‌توان با بهره‌گیری از کارآفرینی پایدار و رویکرد آینده نگاری، سناریوهای محتمل برای بازآفرینی روستاهای کشتیبان و حصار حاجی لار طراحی و ارزیابی کرد؛ به‌گونه‌ای که این سناریوها نه تنها سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را تقویت کنند، بلکه به سیاست‌گذاری عملی و تصمیم‌گیری راهبردی برای توسعه پایدار منطقه نیز منجر شوند؟" بر اساس نتایج پژوهش، می‌توان گفت: طراحی و ارزیابی سناریوهای محتمل زمانی امکان‌پذیر است که کارآفرینی پایدار به‌عنوان محور اصلی در نظر گرفته شود و پیشران‌های کلیدی مدیریت شوند. این ترکیب موجب می‌شود سناریوها ابعاد اقتصادی (رونق صنایع کوچک و کشت‌های مقاوم)، اجتماعی (تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان) و زیست‌محیطی (مدیریت پایدار منابع آب و انرژی‌های تجدیدپذیر) را هم‌زمان ارتقا دهند و

با ارائه چشم‌اندازهای معتبر، مبنای سیاست‌گذاری عملی و تصمیم‌گیری راهبردی برای توسعه پایدار منطقه فراهم گردد. تمرکز بر این سناریوها نشان می‌دهد که برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین با تأکید صرف بر اقتصاد، نتایج این پژوهش اهمیت ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز آشکار کرده است. این یافته‌ها با مطالعاتی مانند فارونان (۲۰۲۴) در زمینه توانمندسازی زنان و دیونیزی و دورا^۱ (۲۰۲۵) در زمینه مدل‌های چندلایه توسعه پایدار هم‌راستا بوده، اما نوآوری اصلی پژوهش حاضر در ترکیب این ابعاد با رویکرد آینده‌نگاری و طراحی سناریوهای معتبر برای شرایط خاص روستاهای پیرامون دریاچه ارومیه است. بنابراین، کارآفرینی پایدار به‌عنوان چارچوبی راهبردی برای هدایت بازآفرینی روستایی و سیاست‌گذاری بلندمدت معرفی می‌شود.

۶- منابع

- احمدی، منیژه، عینالی، جمشید و شاهسون، سعید. (۱۴۰۳). تحلیل اثرات کارآفرینی گردشگری بر بازساخت فضاهای روستایی (مطالعه موردی: سکونتگاه های روستایی شهرستان آوج، استان قزوین). *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی/اقتصادی*، ۵(۱۸)، ۸۰-۹۴.
doi:10.30470/jegr.2024.2024618.1160
- بیگدلی، اعظم، عینالی، جمشید و محمدلو، مریم. (۱۴۰۳). ارزیابی چالش‌های پیش‌روی کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک مقیاس کشاورزی در مناطق روستایی، نمونه موردی: شهرستان خدابنده. *تحقیقات ترویج و توسعه روستایی*، ۲(۲)، ۶۲-۷۸.
doi: 10.30470/jrdes.2025.2054219.1059
- جمشیدی، علیرضا، جمینی، داود و جمشیدی، معصومه. (۱۴۰۲). واکاوی ارتباط شاخص‌های کارآفرینی و توسعه پایدار روستایی با استفاده از تحلیل کانونی، مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی غرب دریاچه ارومیه. *راهبردهای توسعه روستایی*، ۱۰(۴)، ۴۲۹-۴۴۶.
doi: 10.22048/rdsj.2023.360063.2050
- درواری، سیده زهرا، جمشیدی، امید، و قربانی پیرعلیدهی، فاطمه. (۱۴۰۳). طراحی الگوی توسعه پایدار کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای ساحلی شهرستان ساری و میاندرد). *راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی*، ۱۱(۲)، ۷۳-۵۴.
doi: 10.61186/jea.11.2.54
- سلطانی، زهرا، گودرزی، مجید و موسوی، سوسن. (۱۴۰۴). تحلیل نقش کارآفرینی زنان روستایی در توسعه پایدار کشاورزی با تأکید بر محصولات غذایی (مطالعه موردی: شهرستان رامهرمز). *روستا و توسعه پایدار فضا*، ۶(۲)، ۱۲۳-۱۴۶.
doi: 10.22077/vssd.2025.8608.1290
- سلیمان‌پور، مسلم و نوروزی اجیلو، رضا. (۱۴۰۴). توسعه مناطق روستایی در گرو واکاوی اثرات بقای اقتصادی و کارآفرینی اجتماعی بر بازآفرینی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ارومیه). *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱۴(۵۱)، ۹۱-۱۰۶.
doi: 10.61882/serd.14.51.6
- شهبازی، حسین رضا و کاملی، مریم. (۱۴۰۲). جایگاه کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۶(۱)، ۳۰۸-۳۱۷.
doi: 10.22034/gahr.2023.377943.1783
- عینالی، جمشید. (۱۴۰۳). ارزیابی نقش کارآفرینی و توسعه اقتصادی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: روستاهای محور زنجان - تاکستان در استان زنجان. *فصلنامه علمی برنامه ریزی منطقه‌ای*، ۱۴(۵۳)، ۴۵-۶۰.
doi:10.30495/jzpm.2024.31461.4191
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*. تهران: مرکز آمار ایران.
- موسوی، سیده سمیرا، عینالی، جمشید و جوان، فرهاد. (۱۴۰۴). سرمایه‌های جوامع محلی و توسعه اقتصادی گردشگرمحور مطالعه موردی: روستاهای هدف گردشگری استان زنجان. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۷(۲)، ۶۵-۸۱.
doi: 10.22059/jhgr.2024.371800.1008668
- نوروزی اجیلو، رضا و سلیمان‌پور، مسلم. (۱۴۰۴). بررسی ارتباط کارآفرینی روستایی و رفاه مالی خانواده و بازآفرینی روستایی. *روستا و توسعه*، ۲۷(۴)، ۱-۲۲.
doi: 10.30490/rvt.2025.367358.1641
- هادی پور، مرضیه، فرجی سبکبار، حسنعلی و بدری، سیدعلی. (۱۴۰۳). تحلیل تطبیقی بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیری در توسعه پایدار روستایی در کشورهای ایران، آلمان، لهستان، پاکستان و تایلند. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۶(۲)، ۲۳۱-۲۵۳.
doi: 10.22059/jhgr.2023.356743.1008586

¹ Dionizi & Dhora

وحیدی راد، علی عسکر، مهدوی، داوود، نوروزی، اصغر و فیروزنیا، قدیر. (۱۴۰۳). تحلیل شاخص‌های بوم‌گردی با تأکید بر رویکرد کارآفرینی روستایی (مورد: روستاهای بوم‌گردی استان کهگیلویه و بویراحمد). *روستا و توسعه پایدار فضا*، ۵(۴)، ۱۵۹-۱۸۳. [doi: 10.22077/vssd.2024.7873.1262](https://doi.org/10.22077/vssd.2024.7873.1262)

References

- Ahmadi, M., Einali, J., & Shahsavand, S. (2024). Analyzing the effects of tourism entrepreneurship on the reconstruction of rural spaces (Case study: Rural settlements of Avaj Township, Qazvin Province). *Journal of Economic Geography Research*, 5(18), 80-94. [doi:10.30470/jegr.2024.2024618.1160](https://doi.org/10.30470/jegr.2024.2024618.1160) [In Persian]
- Barrera-Verdugo, J Cadena-Echeverría, G., & DuránSandoval, D. (2025) An expert assessment of the strengths and weaknesses of a sustainable entrepreneurial ecosystem in Latin America. *Cogent Business & Management*, 12:1, 2507849, [DOI: 10.1080/23311975.2025.2507849](https://doi.org/10.1080/23311975.2025.2507849)
- Bhadauria, J & Singh, Dr. (2023). Rural India and Sustainable Development Chief Editor.
- Bigdeli, A., Einali, J., & Mohammadlo, M. (2025). Assessing the challenges facing entrepreneurship in small-scale agricultural businesses in rural areas: Case study of Khodabandeh Township. *Journal of Rural Development and Extension Studies*, 2(2), 62-78. [doi: 10.30470/jrdes.2025.2054219.1059](https://doi.org/10.30470/jrdes.2025.2054219.1059) [In Persian]
- Ciampa, F & Marchiano, G & Fusco Girard, L & Angrisano, M. (2025). The Rural Village Regeneration for the European Built Environment: From Good Practices Towards a Conceptual Model. *Sustainability*, 17. 2787. <https://doi.org/10.3390/su17072787>.
- Darvari S Z, Jamshidi O, Ghorbani Piralidehi F. (2024). Designing a Sustainable Rural Entrepreneurship Development Model (Case Study: Coastal Villages of Sari and Miandorud Counties). *Journal Entrepreneurial Strategies Agricultural*, 11(2), 54-73. [doi: 10.61186/jea.11.2.54](https://doi.org/10.61186/jea.11.2.54) [In Persian]
- Dionizi, B & Dhora, R. (2025). Reinventing rural economies through sustainable business models: a triple-layered analysis. *Frontiers in Sustainability*, 6. [10.3389/frsus.2025.1665635](https://doi.org/10.3389/frsus.2025.1665635).
- Dutta, P.K., & Trivedi, S. (Eds.). (2026). *Rural Futures: Innovation, Resilience, and Sustainable Development* (1st ed.). Jenny Stanford Publishing. <https://doi.org/10.1201/9781003741732>
- Einali, J. (2024). Evaluation of the role of entrepreneurship and economic development in rural areas, case study: Zanjan-Takestan axis villages in Zanjan province. *Regional Planning*, 14(53), 45-60. [doi:10.30495/jzpm.2024.31461.4191](https://doi.org/10.30495/jzpm.2024.31461.4191) [In Persian]
- Ekure, M. (2024). Rural Entrepreneurship: Interrogating the Deeper Issues, Reconciling Conflicting Shadows Through a Systematic Review. *International Journal of Economics, Finance and Management Sciences*, 12. 526-541. [10.11648/j.ijefm.20241206.25](https://doi.org/10.11648/j.ijefm.20241206.25)
- Elkington, J. (1994). *Towards the Sustainable Corporation: Win-Win-Win Business Strategies for Sustainable Development*. California Management Review.
- Hadipour, M., Faraji sabokbar, H. & Badri, S. A. (2024). Comparative analysis of the use of renewable energies in the development of rural sustainability in Iran, Germany, Poland, Pakistan and Thailand. *Human Geography Research*, 56(2), 231-253. [doi: 10.22059/jhgr.2023.356743.1008586](https://doi.org/10.22059/jhgr.2023.356743.1008586) [In Persian]
- Jamshidi, A., Jamini, D. & Jamshidi, M. (2023). Investigating the Relationship Between Entrepreneurship Indicators and Sustainable Rural Development Using Focal Analysis (Case Study: Rural Settlements West of Urmia Lake). *Rural Development Strategies*, 10(4), 429-446. [doi: 10.22048/rdsj.2023.360063.2050](https://doi.org/10.22048/rdsj.2023.360063.2050) [In Persian]
- Korsgaard, S & Gartner, W & Dentoni, D & Tillmar, M & Gaddefors, J. (2025). Rural entrepreneurship: foundations and future directions during a time of transformation. *Entrepreneurship & Regional Development*, 37. 1-17. [10.1080/08985626.2025.2532618](https://doi.org/10.1080/08985626.2025.2532618).
- Loewen, B & Streifeneder, Th. (2025). Smart(er) rural areas: Framing 'smart villages' for conceptual development and EU policy. *European Urban and Regional Studies*. <https://doi.org/10.1177/09697764251398>
- Lu, Y & De Vries, W. (2023). Spatio-Temporal Analysis of Rural Development in China over the Past 40 Years. *Sustainability*. 15. 8591. <https://doi.org/10.3390/su15118591>.
- Milosevic, D. (2015). Strategy and Society: The link between competitive advantage and Corporate Social Responsibility. *Harvard Business Review*, 93.12, 78-92.



- <https://www.guillaumenicaise.com/wp-content/uploads/2013/10/Strategy-and-Society-the-link-between-competitive-advantage-and-CR.pdf>
- Mosavi, S., Einali, J. and Javan, F. (2024). Capitals of Local Communities and Tourism-Oriented Economic Development: A case study of Target Villages for Tourism in Zanzan Province. *Human Geography Research*, 57(2), 65-81. [doi: 10.22059/jhgr.2024.371800.1008668](https://doi.org/10.22059/jhgr.2024.371800.1008668) [In Persian]
- Mouraz, C & Ferreira, T & Silva, J. (2023). Building rehabilitation, sustainable development, and rural settlements: a contribution to the state of the art. *Environment. Development and Sustainability*, 26. 24937-24956. [10.1007/s10668-023-03664-5](https://doi.org/10.1007/s10668-023-03664-5).
- Norouzi Ajirloo, R. & Soleymanpor, M. (2025). Investigating the Relationship between Rural Entrepreneurship, Family Financial Well-Being and Rural Regeneration. *Village and Development*, 27(4), 1-22. [doi: 10.30490/rvt.2025.367358.1641](https://doi.org/10.30490/rvt.2025.367358.1641) [In Persian]
- Paunovic, I., Apostolopoulos, S., Miljkovic, I. B., & Stojanovic, M. (2024). Sustainable Rural Healthcare Entrepreneurship: A Case Study of Serbia. *Sustainability*, 16(3), 1143. <https://doi.org/10.3390/su16031143>
- Putra, I & Sukoco, B & Wu, W-Y. (2025). Landscape and opportunity of rural entrepreneurship: systematic literature review. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*. 14. [10.1186/s13731-025-00580-y](https://doi.org/10.1186/s13731-025-00580-y).
- Ramos Farroñán, E & Arbulú Ballesteros, M & Mogollon García, F & Llatas, H & Chilicaus, G & Guzmán, M & Juárez, H & León, P & Arbulu Castillo, J. (2024). Sustainability and Rural Empowerment: Developing Women's Entrepreneurial Skills Through Innovation. *Sustainability*. 16. 10226. <https://doi.org/10.3390/su162310226>.
- Sánchez-Cañón, E & Alvarado-Rincón, J & Rodríguez, D & Barrera, V & Ríos-Moyano, D & Lizarazo, C. (2025). Conceptualization of Regenerative Rural Development: A Systematic Review. *Sustainability*. 17. 425. <https://doi.org/10.3390/su17020425>.
- Schmidt, M., Gonda, R., & Transiskus, S. (2021). Environmental degradation at Lake Urmia (Iran): Exploring the causes and their impacts on rural livelihoods. *GeoJournal*, 86(5), 2149–2163. <https://doi.org/10.1007/s10708-020-10180-w>
- Shahbazi, H. & Kamli, M. (2023). The role of rural entrepreneurship in sustainable development. *Geography and Human Relationships*, 6(1), 308-317. [doi: 10.22034/gahr.2023.377943.1783](https://doi.org/10.22034/gahr.2023.377943.1783) [In Persian]
- Shucksmith, M & Chapman, P. (2002). Rural Development and Social Exclusion. *Sociologia Ruralis*. 38. 225 - 242. [10.1111/1467-9523.00073](https://doi.org/10.1111/1467-9523.00073).
- Soleymanpor, M., & Norouzi Ajirloo, R. (2025). Rural development depends on analyzing the impact of economic survival and social entrepreneurship on rural regeneration: A case study on the villages of Urmia. *SERD*, 14(51), 5. [doi: 10.61882/serd.14.51.6](https://doi.org/10.61882/serd.14.51.6) [In Persian]
- Soltani, Z., Goodarzi, M. & Mosavi, S. (2025). Rural Women's Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development: The Case of Food Product Industries in Ramhormoz County. *Village and Space Sustainable Development*, 6(2), 123-146. [doi: 10.22077/vssd.2025.8608.1290](https://doi.org/10.22077/vssd.2025.8608.1290) [In Persian]
- Statistical Center of Iran. (2016). *Results of the 2016 national population and housing census*. Tehran: Statistical Center of Iran. [In Persian]
- Tabares, A & Londoño, A & Cano, J & Gómez-Montoya, R. (2022). Rural Entrepreneurship: An Analysis of Current and Emerging Issues from the Sustainable Livelihood Framework. *Economies*. 10. 142. <https://doi.org/10.3390/economies10060142>.
- VahidiRad, A., Mahdavi, D., Norouzi, A. & Firouznia, G. (2024). Analysis of ecotourism indicators with emphasis on rural entrepreneurship approach (Case: ecotourism villages in Kohkaloieh & Boyer-Ahmad provinces). *Village and Space Sustainable Development*, 5(4), 159-183. <https://doi.org/10.22077/vssd.2024.7873.1262> [In Persian]

